اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

یک‌شنبه | ۱۶ قوس ۱۳۹۹ | ۶ دسامبر ۲۰۲۰ | سال نهم | شماره ۲۰۴۰ | ۸ صفحه

فرمانده پولیس محلی نُه ولسوالی پکتیکا در درگیری با طالبان کشته شد

صفحه ۲

کرونا در افغانستان؛ شناسایی ۲۵۳ مریض جدید و فوت ۱۸ نفر در شبانه‌روز گذشته

صفحه ۲

حمله‌ی موتربمب بر یک پاسگاه پولیس در قندهار؛
سه سرباز کشته و پنج سرباز زخمی شدند

دو پولیس گمرک اسلام‌قلعه‌ی هرات در تیراندازی افراد ناشناس کشته شدند

اطلاعات روز – هرات: منابع امنیتی در ولایت هرات می‌گویند که در نتیجه‌ی تیراندازی افراد مسلح ناشناس بر نیروهای پولیس در گمرک اسلام قلعه در این ولایت، دو پولیس کشته شده‌اند. عبدالاحد ولی‌زاده، سخن‌گوی پولیس هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد صبح دیروز (شنبه، ۱۵ قوس) رخ داده است. به گفته‌ی او، افراد مسلح ناشناس از | صفحه ۲

۶ دستور ترمپ برای خروج اکثر نیروهای امریکایی از سومالی

۶ واکسن کرونا؛ روسیه واکسیناسیون گسترده را آغاز کرد

۷ کنایه ژوزه به کلوپ و پپ: کسی برای ما گریه نکرد

۷ بهترین سنگربان تاریخ به انتخاب رومینیگه: مانوئل نویر

تسهیل‌کننده‌ی انفجار ماین‌های مقناطیسی در کابل و عامل تجاوز جنسی بر یک کودک بازداشت شد

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که یکی از تسهیل‌کنندگان انفجار ماین‌های مقناطیسی در کابل بازداشت شده است...

صفحه ۲

تبلیغات و خشونت جنسی

صفحه ۳

پایان ماه‌ها بلاتکلیفی

کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه ملی نخستین نشست خود را برگزار کرد

صفحه ۵

یادداشت‌روز

پیشرفت در دوحه و کابل

دیروز دو اتفاق مهمی رخ داد که می‌تواند شروع تازه برای روند صلح تلقی شود. اول، قرار بود در دوحه هیأت‌های مذاکراتی حکومت افغانستان و طالبان روی آجندای مذاکرات صلح کار را آغاز کند. پس از دو ماه حکومت و طالبان روی کارشیوه توافق کردند. توافق روی کارشیوه در واقع روند مذاکرات را وارد فاز تازه کرد. دوم، دیروز نخستین نشست شورای عالی مصالحه ملی افغانستان برگزار شد. نشست شورای عالی مصالحه نیز پس از ماه‌ها تأخیر و اختلاف نظر صورت گرفت. قبلا عبدالله عبدالله و محمداشرف غنی روی فهرست اعضای کمیته‌ی رهبری توافق نظر نداشتند. آغاز به‌کار این شورا همزمان با شروع مرحله‌ی دوم مذاکرات امیدبخش است. امیدواری این است که در نهایت با این شورا نیروهای سیاسی افغانستان می‌توانند صدای واحدی در مذاکرات صلح داشته باشد. منتها نگرانی از این‌که این شورا نتواند نیروهای سیاسی را متحد کند، نیز زیاد است.

کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی متشکل از رهبران سیاسی، شخصیت‌های ملی و افراد حکومتی‌اند. مطابق توافق‌نامه سیاسی چند ماه پیش که...

۲

ترجمه

چرا عاشق کتاب هستیم؟

«آگوست ویلسون»، نمایش‌نامه‌نویس امریکایی و برنده جایزه پولیتزر در یکی از سخنرانی‌های خود گفت که در کودکی، او تنها کسی در خانواده‌اش بود که می‌خواست همه‌ی کتاب‌های خانه را بخواند، کسی که کارت کتاب‌خانه‌ی خود را کهنه می‌کرد و | صفحه ٤

گزارش

ویزای ایران؛ تجارتی پررونق دلالان در افغانستان

«می‌گویند ویزا بسته است و فقط به تاجران داده می‌شود. اما من تاجر نیستم. به تکت‌فروشی‌ها رفتم آن‌ها گفتند که ۵۰ تا ۶۰ هزار باید بپردازم تا برایم ویزا و تکت بگیرند.» کمیل (مستعار) که بارها برای دریافت ویزای ایران جواب رد گرفته است. او که تصمیم دارد برای کارگری به ایران برود می‌گوید این مبلغ پول برای او که بیکار است و آه در بساط ندارد بسیار زیاد است. به‌دلیل بحران کرونا در ایران، | صفحه ٤

تحلیل

سایبان مقدس

خوانشی از رابطه طالبان و خشونت

گروه‌های مذاکره‌کننده در دوحه پس از نزدیک به سه ماه از آغاز رسمی گفت‌وگوهای موسوم به بین‌الافغانی بالاخره بر کارشیوه مذاکرات توافق کردند. با شروع مذاکرات، انتظار می‌رفت که خشونت‌ها در افغانستان کاهش یابد و ماشین کشتار طالبان کمی آرام گیرد. متأسفانه چنین نتیجه‌ای به‌دست نیامد و آمار خشونت‌ها به‌شدت افزایش یافت. گروه طالبان رویکرد و نگاه متفاوتی نسبت به مسأله دارد. تدوام جنگ و افزایش خشونت از منظر آنان به نوعی ادامه جهاد و مقاومت تلقی می‌شود که باید ادامه داشته باشد.

از دل خشونت چه چیزی بیرون می‌آید که گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا تحقق اهداف و آرزوهای‌شان را در اعمال آن می‌یابند؟ نسبت خشونت و اسلام چیست؟ آیا اسلام اساسا دینی خشونت‌ورز است؟ هدف گروه طالبان از شدت‌بخشیدن به خشونت‌ها پس از امضای توافق‌نامه با امریکا چیست؟

۳

ادامه‌یادداشت‌روز

منجر به پایان تنش‌های انتخاباتی در کشور شد، مبنای کار شورای عالی مصالحه ملی این است که هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح، مطابق فیصله‌ها و راهنمایی کمیته‌ی رهبری این شورا عمل می‌کند. در نشست دیروز جای بسیاری از شخصیت‌ها خالی بودند. چهره‌های مانند گلبدین حکمتیار و صلاح‌الدین ربانی حضور نداشتند. گفته می‌شود ارگ با آمدن برخی از چهره‌های سیاسی مانند رحمت‌الله نبیل در کمتیه‌ی رهبری مخالفت کرده است. ظاهرا آن‌گونه که در گذشته روی فهرست اعضای شورا اختلاف دیدگاه وجود داشت، هنوز این اختلاف وجود دارد.

واقعیت این است که تشکیل شورای عالی مصالحه‌ی ملی دیروز پس از ماه‌ها اختلاف و سکوت زیر فشار خارجی‌ها تشکیل جلسه داد. در روزهای اخیر و همزمان با توافق هیأت‌های مذاکراتی افغانستان و طالبان در قطر رؤسای نماینده‌گی‌های کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در کابل در یک بیانیه مشترک خواستار تشکیل و آغاز به‌کار «فوری» شورای رهبری و مجمع عمومی آن شدند. دانمارک، فرانسه، فنلند، آلمان، ایتالیا، هالند، اسپانیا، سویدن و جمهوری چک در یک بیانیه‌ی مشترک این خواست را مطرح کرده‌اند.

مطابق توافق‌نامه سیاسی ۲۸ ثور، شورای عالی مصالحه ملی به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در مورد مسائل مرتبط به صلح است و هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح، مطابق فیصله‌ها و راهنمایی کمیته‌ی رهبری این شورا عمل می‌کند. در عمل اما بعید به‌نظر می‌رسد رییس‌جمهور غنی چنین صلاحیتی را برای این شورا به رسمیت بشناسد. در چند ماه گذشته مدیریت روند صلح به‌طور واضح براساس خواست رییس‌جمهور پیش رفته است. پیش از این شورای عالی مصالحه‌ی ملی به‌عنوان نهاد مسئول سیاست‌گذاری صلح جاری، نقش صرفا نمادین داشته است. اکنون نیز امیدی چندانی وجود ندارد که این شورا نقش خود را باز یابد. در نشست دیروز میان خواست و صحبت‌های نیروهای سیاسی پراکندگی زیادی به‌چشم می‌خورد. هر کدام از چهره‌های برجسته و سخنران نخستین نشست شورای عالی مصالحه‌ی ملی امیدواری توأم با نگرانی داشتند. مهم‌ترین نگرانی عدم اطمینان از رویکرد تکروانه‌ی اشرف غنی بود. به همین دلیل بیشتر چهره‌های سیاسی با رویکرد اعتراضی به آدرس آقای غنی حرف زدند.

توافق روی کارشیوه‌ی مذاکرات در دوحه و توافق روی فهرست اعضای شورای عالی مصالحه ملی در کابل یک بار دیگر، فرصتی تازه فرا راه صلح قرار داده است. اکنون بیشتر از هر زمان دیگری کنار آمدن با طالبان راحت‌تر است. زیرا طالبان انتظار داشتند با پیروزی ترمپ در انتخابات امریکا بیشترین سود می‌برد. اما ظاهرا دعاهای طالبان پذیرفته نشد و آمدن جوایدن طالبان را از موضع گذشته‌اش پایین‌تر آورده است. این گروه می‌داند که حمایت بی‌حساب و کتاب ترمپ را دیگر با خود ندارد. در این سو، نیروهای سیاسی با درک وضعیت باید از فرصت پیش‌آمده برای پایان یک جنگ خونین استفاده کنند. ادامه اختلاف دیدگاه و تلاش برای تکروی و تعریف آجندای شخصی می‌تواند استمرار جنگ، بحران و قوی‌ترشدن طالبان را در پی داشته باشد. انتظار شهروندان افغانستان این است که چهره‌های سیاسی با عبرت از گذشته با مسئولیت‌پذیری، تعهد، احتیاط و پرهیز از رفتارهای سلیقه‌ای با فرصت تازه پیش‌آمد کنند. اگر این فرصت در نتیجه تکروی و آجندهای شخصی از دست برود، مسئول این ناکامی تمام چهره‌های شناخته‌شده سیاسی افغانستان هستند.

حمله‌ی موتربمب بر یک پاسگاه پولیس در قندهار؛
سه سرباز کشته و پنج سرباز زخمی شدند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت قندهار تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی انفجار یک موتر بمب‌گذاری‌شده بر یک پاسگاه نیروهای پولیس در ولسوالی ارغستان این ولایت، سه سرباز این نیروها کشته شده‌اند.

این منبع که نخواست نامش در خبر ذکر شود، به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد صبح دیروز (شنبه، ۱۵ قوس) در روستای «صوفیانزو»ی ولسوالی ارغستان رخ داده ست. به گفته‌ی او، در این انفجار پنج نیروی دیگر پولیس نیز زخمی شده‌اند.

منبع امنیتی توضیح داد که این رویداد ناشی از انفجار یک موتر بمب‌گذاری‌شده‌ی نوع «هاموی» بوده است.

تاکنون شخص و یا گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. اما در بیشتر نقاط ولایت نااَمن قندهار در جنوب کشور جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت گسترده دارند.

این ولایت به عنوان خاستگاه طالبان شمرده می‌شود.

فرمانده پولیس محلی نُه ولسوالی پکتیکا در درگیری با طالبان کشته شد

اطلاعات روز: مسئولان امنیتی در ولایت پکتیکا می‌گویند که عبدمحمد خان، فرمانده پولیس محلی زون ارگون این ولایت در درگیری با جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده است.

شاه‌محمد آرین، سخن‌گوی فرماندهی پولیس پکتیکا به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد دو شب پیش (جمعه، ۱۴ قوس) در روستای «پیرکوته»ی ولسوالی ارگون رخ داده است.

به گفته‌ی آقای آرین، این درگیری به دنبال افراز کمین جنگ‌جویان طالبان رخ داده است. او توضیح داد که عبدمحمد خان زمانی با این کمین برخورده است که می‌خواست نیروهای امنیتی را در ولسوالی گیان پکتیکا اکمال کند.

شاه‌محمد آرین گفت که فرمانده پولیس محلی زون ارگون پکتیکا در ایجاد پولیس محلی در این ولایت نقش کلیدی داشته است. زون ارگون شامل نُه ولسوالی پکتیکا می‌شود.

این فرمانده پولیس دارای رتبه‌ی «سامتن» بوده و از سال ۱۳۸۱ به پولیس پیوسته است. او در بخش‌های مختلف پولیس کار کرده است.

از سویی هم، او گفت که در جریان درگیری در این کمین طالبان، ۱۷ جنگ‌جوی طالبان نیز کشته شده‌اند. گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

ولایت پکتیکا در جنوب‌شرق کشور از ولایت‌های نااَمن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بیشتر نقاط آن حضور و فعالیت گسترده دارند.

دو پولیس گمرک اسلام‌قلعه‌ی هرات در تیراندازی افراد ناشناس کشته شدند

اطلاعات روز – هرات: منابع امنیتی در ولایت هرات می‌گویند که در نتیجه‌ی تیراندازی افراد مسلح ناشناس بر نیروهای پولیس در گمرک اسلام قلعه در این ولایت، دو پولیس کشته شده‌اند.

عبدالاحد ولی‌زاده، سخن‌گوی پولیس هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد صبح دیروز (شنبه، ۱۵ قوس) رخ داده است. به گفته‌ی او، افراد مسلح ناشناس از یک موتر بر سربازان پولیس گمرک اسلام‌قلعه تیراندازی کرده‌اند.

او افزود که مهاجمان پس از کشتن این دو پولیس از محل فرار کرده‌اند و تلاش پولیس برای شناسایی و بازداشت مهاجمان آغاز شده است.

تاکنون فرد و یا گروهی مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است.

یک قسمت زیادی از کالاهای وارداتی کشور ایران از طریق گمرک اسلام‌قلعه وارد هرات می‌شود. بارها افراد مسلح در مسیر شاه‌راه هرات – اسلام‌قلعه اقدام به کارگذاری ماین‌های کنارجاده‌ای، تیراندازی و آدم‌ربایی کرده‌اند.

در پی افزایش نااَمنی‌ها در این مسیر، تاجران و کارمندان گمرک به‌خاطر افزایش نااَمنی‌ها، خواستار انتقال مجدد گمرک از اسلام قلعه به شهر هرات شده‌اند.

کرونا در افغانستان؛
شناسایی ۲۵۳ مریض جدید و فوت ۱۸ نفر در شبانه‌روز گذشته

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۴۰۰ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۲۵۳ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است.

این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، قندهار، بلخ، ننگرهار، پکتیا، بامیان، بغلان، پروان، نیمروز، غزنی، لوگر، هلمند، میدان‌وردک، لغمان، خوست، پکتیکا، ارزگان، جوزجان و سرپل به ثبت رسیده است.

با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۴۷ هزار و ۶۴۱ نفر رسیده است. این آمار رسمی وزارت صحت عامه است و براساس آمارهای غیررسمی، ممکن شمار مریضان کووید۱۹ در کشور بیش از این باشد.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۸ مورد مرگ ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است.

هفت نفر در کابل، پنج نفر در خوست، سه نفر در ننگرهار و یک-یک نفر در ولایت‌های تخار، پکتیا و بدخشان به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باختند.

شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به یک‌هزار و ۸۶۵ نفر افزایش یافته است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۱۳۸ مریض کووید۱۹ در کشور بهبود یافته‌اند. ۵۴ نفر در ننگرهار، ۳۹ نفر در بدخشان، ۲۲ نفر در غزنی، ۱۲ نفر در قندهار، شش نفر در کابل و پنج نفر دیگر در خوست پس از ابتلای به کووید۱۹، بهبود یافته‌اند.

به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۳۷ هزار و ۴۸۵ نفر افزایش یافته است.

این درحالی است که تاکنون چندین کشور از ساخت واکسین کرونا خبر داده و گفته‌اند که به‌زودی تطبیق آن‌را آغاز می‌کنند.

اداره‌ی حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نیز اعلام کرده است که برای تهیه و در اختیار قراردادن واکسین کرونا به کشورهای دارای اقتصاد ضعیف آمادگی می‌گیرد.

دو روز پیش ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان اعلام کرد که مرحله‌ی اول تطبیق واکسین کرونا در این کشور به کمک بانک جهانی تطبیق می‌شود.

رییس‌جمهور اشرف غنی دیروز نیز در نخستین نشست کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی در ارگ ریاست‌جمهوری گفت که در مرحله‌ی اول برای ۲۰ درصد و در مرحله‌ی دوم نیز برای ۴۰ درصد مردم افغانستان واکسین کرونا فراهم می‌شود.

طالبان در فاریاب پولیس تسلیم‌شده به این گروه را در مقابل چشمان خانواده‌اش کُشتند

اطلاعات روز: مسئولان امنیتی در ولایت فاریاب می‌گویند که جنگ‌جویان گروه طالبان در ولسوالی قیصار این ولایت، یک سرباز پولیس را که به این گروه تسلیم شده بود، در برابر چشمان خانم و فرزندانش تیرباران کرده‌اند.

عبدالکریم یورش، سخن‌گوی فرماندهی پولیس فاریاب به روزنامه اطلاعات روز گفت که که این رویداد دو روز پیش (جمعه، ۱۴ قوس) در روستای «نودری» ولسوالی قیصار رخ داده است.

آقای یورش از سرباز کشته‌شده به نام «قدرت‌الله» یاد کرده، افزود که او چندی پیش به گروه طالبان پیوسته بود. به گفته‌ی او، طالبان در مقابل این تسلیمی، به او «معافیت‌خط» نیز داده بودند.

سخن‌گوی فرماندهی پولیس فاریاب توضیح داد: «جنایت‌کاران طالب وارد منزل او در روستای نودری شده و او را در مقابل خانم و فرزندانش به گلوله بسته‌اند.»

گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

ولایت فاریاب در شمال کشور از ولایت‌های نااَمن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت به‌شمول ولسوالی قیصار حضور و فعالیت گسترده دارند.

تسهیل‌کننده‌ی انفجار ماین‌های مقناطیسی در کابل و عامل تجاوز جنسی بر یک کودک بازداشت شد

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری می‌گوید که یکی از تسهیل‌کنندگان انفجار ماین‌های مقناطیسی در کابل بازداشت شده است. از این فرد به نام رحمت‌الله فرزند حبیب‌الله نام برده شده است.

آقای صالح صبح دیروز (شنبه، ۱۵ قوس) در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود نوشته است که فرد بازداشت‌شده نانوایی جعلی ساخته بود و نان را از جای دیگر خریداری می‌کرد تا کسی بر او شک نکند.

صالح همچنان گفته است که یک پسر زیر سن نیز همرای رحمت‌الله بازداشت شده است. براساس معلومات صالح، رحمت‌الله این پسر زیر سن را در بدل مبلغ ۲۰۰ افغانی در روز به‌عنوان شاگرد نانوایی استخدام کرده بود، اما همه‌روزه بالایش تجاوز جنسی کرده و از او در انتقال ماین‌های مقناطیسی کار می‌گرفت.

معاون اول ریاست‌جمهوری گفته است که با خانواده‌ی کودک بازداشت شده تماس گرفته شده است.

آقای صالح در مورد دریافت اجساد سه مرد و یک زن از یک کانتینر در شهر کابل نیز گفته است کسانی که آنان را در داخل کانتینر قفل و فراموش کرده بود که درب کانتینر را باز کنند، بازداشت شده‌اند.

او گفته است: «مسأله اجساد در کانتینر یک بحث اخلاقی و فاجعه جنایی است، اما کنترل آن ناممکن بود.»

دو شب پیش وزارت داخله اعلام کرد که چهار نفر به‌شمول یک زن که شب را در یک کانتینر سپری کرده بودند، به دست آمده و معلومات ابتدایی نشان می‌دهد که این افراد از مواد نشه‌آور استفاده کرده بودند.

سایبان مقدس
خوانشی از رابطه طالبان و خشونت

حسین‌علی کریمی

گروه‌های مذاکره‌کننده در دوحه پس از نزدیک به سه ماه از آغاز رسمی گفت‌وگوهای موسوم به بین‌الافغانی بالاخره بر کارشیوه مذاکرات توافق کردند. با شروع مذاکرات، انتظار می‌رفت که خشونت‌ها در افغانستان کاهش یابد و ماشین کشتار طالبان کمی آرام گیرد. متأسفانه چنین نتیجه‌ای به‌دست نیامد و آمار خشونت‌ها به‌شدت افزایش یافت. گروه طالبان رویکرد و نگاه متفاوتی نسبت به مسأله دارد. تداوم جنگ و افزایش خشونت از منظر آنان به نوعی ادامه جهاد و مقاومت تلقی می‌شود که باید ادامه داشته باشد.

از دل خشونت چه چیزی بیرون می‌آید که گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا تحقق اهداف و آرزوهای‌شان را در اعمال آن می‌یابند؟ نسبت خشونت و اسلام چیست؟ آیا اسلام اساسا دینی خشونت‌ورز است؟ هدف گروه طالبان از شدت‌بخشیدن به خشونت‌ها پس از امضای توافق‌نامه با امریکا چیست؟

ماهیت خشونت

یوهان گالتونگ، پدر مطالعات صلح، خشونت را «بی‌احترامی به نیازهای اساسی بشر» می‌داند و «هر چیز قابل‌اجتنابی که مانع خودشکوفایی انسان شود». خشونت فقط استفاده آشکار زور میان انسان‌ها نیست. گالتونگ براساس این تعریف، سه نوع خشونت را تعریف می‌کند: «۱. خشونت مستقیم که یک شخص مرتکب آن می‌شود؛ ۲. خشونت ساختاری که غیرمستقیم از ساختارها و نهادهای اجتماعی ناشی می‌شود و موجب نابرابری در قدرت و فرصت‌ها می‌شود؛ و ۳. خشونت فرهنگی که موجب مشروعیت‌بخشی به دو نوع خشونت قبلی از طریق زبان، ایدئولوژی و مذهب می‌شود.»

اسلاوی ژیژک در کتاب «خشونت، پنج نگاه زیرچشمی» بر این باور است که «خشونت سه شکل دارد: کنشگرانه (جنایت، ارعاب)، کنش‌پذیرانه (نژادپرستی، نفرت‌پراکنی، تبعیض) و سیستمی (تأثیرات فاجعه‌بار نظام‌های اقتصادی و سیاسی)؛ و غالبا یکی از شکل‌های خشونت مانع از دیده‌شدن دیگر شکل‌های آن می‌شود.»

نسبت بنیادگرایی اسلامی و شَر مطلق

دنیای بنیادگرایی اسلامی تاریک است. چراغی را که سید قطب و هم‌قطاران او روشن کردند، فضای جوامع اسلامی را تیره و تارتر کرد. حتا نمی‌توان به تعبیر هانا آرنت دل خوش کرد که شر به‌پاخاسته از بنیادگرایی اسلامی از جنس «از پیش‌پاافتادگی شر» باشد. شر به‌پاخاسته از بنیادگرایی اسلامی، فراتر از مرزهای تعبیر و عمل می‌کند. شری که چارچوب‌های دینداری، اخلاقی و انسانیت را واژگون می‌کند. برای بنیادگرایان تفاوتی نمی‌کند که قربانیان آن‌ها زنان، کودکان، مردم عادی و یا مسلمان و غیرمسلمان باشد. شر به‌پاخاسته از بنیادگرایی «شر افراطی و افسارگسیخته» است. بنابراین اجرای کامل مناسک خشونت توسط فرد انتحاری در زایشگاه، آموزشگاه، مسجد، دانشگاه و فضای عمومی است که عمل او را توجیه می‌کند. بنیادگرایی اسلامی، اندیشه و تفکری تازه ارائه نمی‌کند. بلکه اندیشه‌ها و باورهای سنتی را با رویکردی که ناشی از کج‌فهمی و بدفهمی تاریخ دین است بازتعریف و تفسیر می‌کند. در چنین وضعیتی، دینداری به مناسک تقلیل پیدا می‌کند و راه برای قرائت جزمی و افراط‌گرایانه باز می‌شود.

افراط‌گرایی اسلامی یک سازمان یا یک ارتش نیست، بلکه یک جنبش ایدئولوژیک است. سازمان‌های تروریستی با داشتن یک دکترین به‌وضوح خشونت‌بار، نیازی به هماهنگ‌کردن اقدامات‌شان ندارند. به همین دلیل است که کشتن و حذف چهره‌های رده‌بالای داعش یا القاعده، کار چندانی برای جلوگیری از خون‌ریزی نمی‌کند و به همین دلیل رویکرد نظامی به تنهایی، هرگز نمی‌تواند مؤثر باشد.

اسلام سنتی مشروعیت و ماهیت خود را در دل شریعت، ستیزه‌جویی، جهاد و مبارزه با کفار می‌جوید. در این راستا تمامی نمادهای جامعه مدرن، تصویری از آموزه‌های غربی و کفار محسوب می‌شود. به باور بنیادگرایان، دولت و دموکراسی، نهاد و آرمانی غربی است که سازوکارهای آن نمی‌تواند رؤیای مسلمانان را تحقق بخشد. در اندیشه‌ی آنان جهاد در برابر چنین ساختاری واجب است.

رابطه اسلام و خشونت

دیدگاه ذاتی‌گرایی، اسلام را در چند سطح خشونت‌گرا می‌شمرد. سطح نخست، پیشینه‌ی تاریخی ظهور آن است که آمیخته با سیاست و تلاش به استفاده از خشونت در رسیدن به قدرت است. سطح دوم، تاریخ تطور و تکامل آن است که همیشه با شکلی از نظام سیاسی همچون خلافت اسلامی همراه بوده است و این‌که پس از سقوط خلافت عثمانی در آغاز قرن گذشته، جوامع اسلامی همچنان برای یافتن مدلی مستقر از حکومت غیردینی با چالش روبه‌رویند. سطح سوم، شمول قرآن نسبت به آیات فراخواننده به جهاد و به‌کارگیری خشونت علیه دیگران است. سطح چهارم، نظام قوانین فقهی آن است. سطح پنجم به بُعد الهیاتی اسلام اشاره دارد که رستگاری را در انحصار مسلمانان دانسته و به آنان نسبت به دیگران برتری می‌بخشد.

ادوارد سعید از مهم‌ترین مخالفان نگاه ذاتی‌گرایانه به خشونت در اسلام است. وی این نگاه را کلیشه‌ای و تک‌بعدی و جانب‌دارانه توصیف می‌کند. ذاتی‌گرایان، اسلام را دینی واحد و مسلمانان را جامعه‌ی واحد و یکسان شمرده و حکمی کلی بر همه‌ی آنان صادق می‌دانند. عناوینی کلی مانند «اسلام در برابر غرب»، به تعبیر ادوارد سعید، تنها به مغشوش‌کردن واقعیتی می‌انجامد که در ذات متنوع و نامنسجم است. این در حالی است که قرائت‌های مختلفی از اسلام وجود دارد که بسیاری از آن‌ها عاری از تمایل به خشونت‌اند. برای مثال، تمایل به خشونت در برخی قرائت‌ها دیده نمی‌شود. همچنان که قرائت لیبرال از اسلام در دوره‌ی معاصر و مناطق مختلفی از جهان اسلام رایج شده است که فارغ از تمایل به خشونت است. از این رو حکم کلی بر اسلام به‌عنوان یک واحد ثابت و یکسان درست نیست.

میلیون‌ها انسان در جریان جنگ جهانی دوم کشته شدند. تمایل به خشونت در بین برخی جوامع کمتر از سایر جوامع نیست. جوامع غیرمسلمان الزاما فارغ از خشونت‌های دینی نیستند. قرون وسطی و تسلط کلیسا بر مناسبات اجتماعی، سیاسی و اعتقادی مردم، نماد جزم‌اندیشی سنت مسیحی است. نمونه‌های متعددی از تمایل به خشونت در میان پیروان سایر ادیان از جمله مسیحیت یافت می‌شود که الزاما به معنای ذاتی‌بودن خشونت در آن‌ها نیست. بنابراین، نمی‌توان دین اسلام را به‌دلیل وجود خوارج در گذشته و یا داعش و طالب، دینی خشونت‌ورز پنداشت.

اما واقعیت این است که فهم نادرست از اسلام و تاریخ آن ما را به عقب می‌برد، همچنان که فهم مناسب از آن ما را به آینده و حال پیوند می‌دهد. باید این حقیقت تلخ را بپذیریم که جهان اسلام با رکود اندیشه و تولید در محتوا مواجه شده است و برای رهایی از این رکود ما نیاز به بازشناسی و بازنگری آموزه‌ها و اندیشه‌های خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داریم. ما نیاز داریم میان داشته‌های فکری، اعتقادی، اخلاقی و فقهی‌مان با دنیای مدرن ارتباط روشنی برقرار سازیم. مادامی که گذشته‌مان را با پرسش مواجه نسازیم، نمی‌توانیم گفتمانی رهایی‌بخش برای حال و آینده خود ایجاد کنیم.

رابطه طالبان و خشونت

استفاده از خشونت، بخش جدایی‌ناپذیر استراتژی‌های گروه‌های رادیکال اسلامی است. گروه طالبان نیز بی‌مهابا از این ابزار برای تحقق اهداف و برتری نظامی‌اش استفاده می‌کند. بسیاری از مردم کابل صحنه‌ی به دار آویخته‌شدن دکتر نجیب‌الله را در بدو ورود آن‌ها به کابل به یاد دارند. ماهیت این گروه با کشتار و خشونت گره خورده است. حتا ماشین کشتار آن‌ها بعد از توافق این گروه با امریکا متوقف نشد و حملات گسترده‌ای را به شهرها و غیرنظامیان به‌راه انداخت. طالبان نیز به‌لحاظ ایدئولوژیک از بستر سنت اسلامی رادیکال برخاسته‌اند؛ سنتی که خشونت را به رسمیت می‌شناسد و هیچ شرم اخلاقی و انسانی از خلق آن ندارد. هیاهوی آنان مبنی بر تغییر، دروغی کاذب است و پذیرش آن ساده‌انگاری‌ای کودکانه است. خوانش طالبان از اسلام، خوانش اقتدارگرایانه است که می‌خواهد شریعت و سنت را در دوران معاصر به هر شکل ممکن تطبیق کند. در این خوانش از اسلام، دولت و آموزه‌های مدرن جایی ندارد. به همین دلیل است که آن‌ها با قوانین حقوق بشری، محیط‌زیست، مکتب، زنان، حقوق اقلیت‌ها و... مشکل دارند. بنابراین مهم‌ترین ابزار آنان برای تطبیق شریعت و سنت، استفاده از اشکال مختلف خشونت آن هم به شکل عریان و ترسناک آن است.

تبلیغات و خشونت جنسی

حمیده میرزاد

از دوست خود که دیشب تلویزیون تماشا کرده است بپرسید آیا تبلیغات دیروز را به خاطر می‌آورد؟ امکانش بسیار کم است که تمام آگهی‌ها را به یاد بیاورد. ممکن است فقط یک یا دو تبلیغ را به خاطر بیاورد. مردم هر روز با هزاران آگهی تبلیغاتی بمباران می‌شوند. این حجم بالای پیام‌های ارسالی در بازاریابی منجر به رقابت بیشتر و نادیده‌گرفتن تبلیغات بیشتر می‌شود. تبلیغات خوب تبلیغاتی است که مشتری را در جای خود میخکوب کرده و فرصت عبور را از او سلب کند، اما این دلیل نمی‌شود که ما برای جذب مشتری از روش‌های غیرمنطقی استفاده کنیم.

در سال ۲۰۰۱ یک‌سری پوستر تبلیغاتی از طرف شرکت مسکن OBOS در ناروی (نروژ) نشر شد تا بتوانند از این طریق خانه‌های‌شان را بفروشند. یکی از این پوسترها خیلی زود حذف شد؛ چون از این مورد شکایت شده بود و تعداد بسیاری این تبلیغ را یک خشونت جنسی تشخیص داده بودند. این پوستر بخشی از مجموعه‌ای بود که حاوی پنج یا شش تبلیغ مختلف بود و همه‌ی آن‌ها پرتره‌های بی‌نظیری از افراد مختلف با ظاهر و عناوین توصیفی مختلف بود. یکی از پوسترها بیشترین واکنش را در بین این تبلیغات برانگیخت؛ زیرا بسیاری فکر کردند که این یک خشونت جنسی است. اولین چیزی که توجه بیننده را در این پوستر تبلیغاتی به خود جلب می‌کند تصویر زنی خوش‌اندام و نیمه‌برهنه در مرکز است و چند متن کوتاه در بالا و پایین عکس که بالاکن‌های زیبای آپارتمان‌های فروشی را توصیف می‌کند. متن دارای یک ترکیب سه‌نقطه‌ای است و آرم OBOS در پایین آگهی قرار دارد. این یک انتخاب آگاهانه برای جلب توجه است و آن‌ها از طریق این ساختار از ظاهر جنسی زن بهره برده‌اند تا دلیلی برای میخکوب‌شدن مخاطب باشد.

تصویر سیاه و سفید با سایه روشن‌های ماهرانه برجستگی‌های بدن زن را با جذابیت بیشتری نشان می‌دهد. بدن زن با متن پوستر هماهنگی دارد؛ طوری که ویژگی‌های زن و خانه‌ای که به فروش گذاشته شده موازی است. متن زیر تصویر بالاکن‌های خانه را توصیف کرده است و نوشته است بالاکن‌های زیبا با دسترسی آسان. این نشان می‌دهد که سینه‌ها با «بالکن» مقایسه شده و این زن هم به آسانی در دسترس است. پس زن به‌عنوان یک شی، شبیه به یک خانه به تصویر کشیده شده است. تشابه بین تصویر و متن، تلاشی است برای استفاده از طنز و استعاره که همزمان با فروش منزل به زن موجود در تصویر نیز اشاره می‌کند. بنابراین این مقایسه می‌تواند جسورانه و بی ادبانه تلقی شود زیرا آن‌ها با تحقیر از زن موجود در تصویر صحبت می‌کنند. بنابراین این عنوان در عینیت‌بخشیدن به بدن زنان نقش مهمی دارد.

از خود بپرسید چه ارتباطی بین بدن زن و خرید خانه وجود دارد؟ آیا در قرن بیست‌ویکم ارتباط بین زنان و خانه چنان محکم است که دیدن تصویر زن آرامش خانه را به بیننده یادآوری کند؟

زنان از جذابیت‌های جنسی و جسمی برخوردارند، اما افکار، ذهنیت و توانایی‌های آن‌ها باید در اولویت قرار گیرند و به‌عنوان یک تفکر مستقل شناخته شوند. در این تبلیغ از تصویر زنی با اندامی ایده‌آل استفاده شده است که توجه همه رهگذران را برای خواندن متن آگهی جلب می‌کند. متن آگهی مربوط به خانه است و تصویر آگهی زنی جذاب را نشان می‌دهد. این نوعی تناقض است. اگر از نگاه سنتی این مورد را بررسی کنیم شاید شود ارتباط زن با خانه را پیدا کرد. قرن‌های متمادی رابطه‌ی مشخصی بین زن و خانه وجود داشته است. نگاه مرده و جهان‌سومی می‌گوید یک زن باید در خانه نشسته، تمیز کند، شست‌وشو کند، آشپزی کند و منتظر بماند تا مرد به خانه بیاید. جدای از جنسی‌شدن بدن زن برای توجه، این نیز میتواند یک انگیزه‌ی پنهانی جنسیتی باشد. واضح است که هدف واقعی تبلیغات فروش یک محصول است و برای جلب توجه بیشتر، از بدن زنان سوءاستفاده می‌شود. استفاده‌ی کاربردی و تبلیغی از بدن زنان یک مفهوم شناخته‌شده در دنیای رسانه است و باعث تحریک و ایجاد واکنش می‌شود. براساس بند دوم قانون بازاریابی «منع تبلیغات مغایر با برابری جنسیتی» این آگهی به آژانس مصرف‌کنندگان ناروی گزارش شده است و آژانس مصرف‌کنندگان این کشور این تبلیغات را جنسیتی دانست. بنابراین می‌توان گفت که این پوستر با تمرکز بر ترکیب استفاده از تصویر و متن تبعیض‌آمیز و جنسیتی است.

در رسانه‌های جمعی حداکثر زیبایی نشان داده می‌شود و دختران جوانی که صبح از خواب بیدار می‌شوند چه چیزی را در آیینه‌ی خانه می‌بینند؟ آیا غیر از این زنان آراسته و شیک‌پوش، زنان دیگری در تبلیغات چندرسانه‌ای وجود دارند تا دختر نوجوان ما بداند لباس پوشیدن و آرایش تنها رمز بقای او نیست؟

مردها کجا هستند؟

بیایید از زنانی که مخاطب‌اند بگذریم و به مردان توجه کنیم. اولین نکته افزایش سطح انتظار مردان از چهره‌های زنان آن‌هاست! بسیاری از زنان و مردان متأمل با مشکل نارضایتی از زندگی شخصی و زناشویی خود چه خواهند کرد؟ با انتظارات روزافزون مرد جوانی که می‌خواهد با دختری ازدواج کند چه باید کرد؟

سرانجام، من فکر می‌کنم وضعیت کالاها و میزان مصرف آن‌ها به نقش زنان ارتباط ندارد. در تبلیغات نیازی نیست که یک زن جذاب را به سود خود نشان دهند و باید ممنوع باشد. نگاه ابزاری به زنان مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند که نسل‌های بعدی از آن در امان نخواهند بود.

چرا عاشق کتاب هستیم؟

میچیکو کاکوتانی، لیتراری هاب
مترجم: جلیل پژواک

اشاره: متن زیر بخشی از مقدمه کتاب جدید کاکوتانی به‌نام «از کتاب‌خانه: صد کتاب برای خواندن و بازخواندن» و بخشی از مطالعه‌ی او در مورد هانا آرنت است.

«آگوست ویلسون»، نمایش‌نامه‌نویس امریکایی و برنده جایزه پولیتزر در یکی از سخنرانی‌های خود گفت که در کودکی، او تنها کسی در خانواده‌اش بود که می‌خواست همه‌ی کتاب‌های خانه را بخواند، کسی که کارت کتاب‌خانه‌ی خود را کهنه می‌کرد و کتاب‌ها را سر وقت باز نمی‌گرداند. می‌گویند ویلسون در پانزده سالگی دبیرستان را رها می‌کند، اما هر روز مکتب را در «کتاب‌خانه کارنگی» شهر پیتسبورگ می‌گذراند و تاریخ، زندگی‌نامه، شعر و کتاب‌های انسان‌شناسی می‌خواند، تا جایی که کتاب‌خانه کارنگی به او دیپلم افتخاری دبیرستان را می‌دهد. ویلسون گفت کتاب‌هایی را که او در کتاب‌خانه مطالعه کرد «جهانی را گشود که من واردش شدم و هرگز ترکش نکردم‌ام.» او گفت که مطالعه‌ی کتاب‌ها منجر به این درک متحول‌کننده در وی شد «که نویسنده‌شدن ممکن است.»

دکتر «لیور ساکس»، پزشک، عصب‌شناس و نویسنده بریتانیایی کتاب‌خانه عامه‌ای را که از کودکی در محله‌اش (ویلسدن لندن) می‌شناخت مکانی عنوان می‌کند که در آن او تحصیلات واقعی‌اش را فراگرفت. درست همان‌طور که «ری بردبری» خودش را «کاملا آموزش‌دیده کتاب‌خانه» توصیف می‌کرد. دو شخص خودآموخته مشهور دیگر، «ابراهام لینکلن» و «فردریک داگلاس» هستند. کتاب‌هایی که آنان در کودکی و نوجوانی و جوانی خواندند به طرز محوشنده‌ای آرمان‌ها و افکار بلندپروازانه‌شان را شکل داد و آن‌ها را به زبان و ابزار استدلالی‌ای مجهز کرد که بعدا به آن‌ها کمک کرد تاریخ ملت خود را شکل دهند.

«ویرجینیا وولف» می‌نویسد که لذت خواندن «چنان عظیم است که آدم بدون شک می‌تواند بگوید بدون مطالعه، جهان مکانی بسیار متفاوت و بسیار پست‌تر از آنچه هست می‌بود. مطالعه جهان را تغییر داده و همچنان تغییر می‌دهد.» او معتقد بود که در واقع دلیل این‌که «ما از میمون به انسان تکامل یافته‌ایم، دلیل این‌که غارهای خود را رها کرده و تیر و کمان خود را دور انداختیم و دور آتش نشستیم و صحبت کردیم و به فقرا دادیم و به بیماران کمک کردیم، دلیل این‌که ما از دل بیابان‌ها و جنگل‌های درهم پیچیده خانه و جامعه ساختیم، خیلی ساده این است: ما به خواندن عشق می‌ورزیم.»

«آلبرتو مانگوئل»، نویسنده، مترجم و ویراستار کانادایی آرژانتینی در کتاب سال ۱۹۹۶ خود با عنوان «تاریخ خواندن» ماجرای سلطانی از سرزمین پارس قرن دهم را تعریف می‌کند که با مجموعه‌ی ۱۱۷ هزار جلدی کتاب‌هایش که بر پشت «چهارصد شتر آموزش‌دیده برای راه‌رفتن به ترتیب حروف الفبا» بار شده بود، به سفر می‌رود. مانگوئل همچنین در مورد کتاب‌خوانهایی می‌نویسد که اواخر قرن نوزدهم به استخدام کارخانه‌های تولید سیگار کوبا درآمده بودند تا با صدای بلند برای کارگران کتاب بخوانند. او در مورد پدر یکی از معلمان دوران کودکی‌اش می‌نویسد؛ دانشمندی که بسیاری متون کلاسیک را حفظ کرده بود و در اردوگاه کار اجباری «ساکسنهاوزن» متعلق به نازی‌ها، داوطلب شد تا برای زندانیان به عنوان کتاب‌خانه‌ی زنده خدمت کند؛ دقیقا مانند دوست‌داران کتاب در «فارنهایت ۴۵۱» که دانش خود را از طریق حفظ‌کردن کتاب‌ها زنده نگه می‌دارند.

چرا ما به کتاب‌ها عشق می‌ورزیم؟

کتاب‌ها، این اشیای جادویی خشت‌مانند ساخته‌شده از کاغذ و جوهر و چسب و نخ و مقوا و پارچه و چرم، در واقع ماشین‌های کوچک زمان هستند که می‌توانند ما را برای آموختن درس تاریخ به گذشته برگردانند، و برای تصور آینده، به آینده‌های ایده‌آل یا آخرالزمانی ببرند. کتاب‌ها می‌توانند ما را به نقاط دوردست کره‌ی زمین و حتا سیارات و کیهان‌های دوردست‌تر منتقل کنند. آن‌ها داستان‌های زنان و مردانی را به ما نقل می‌کنند که هرگز شخصا ملاقاتشان نخواهیم کرد، کتاب‌ها کشف‌های ذهن‌های بزرگ را به ما توضیح می‌دهند و به ما امکان مطالعه خرد نسل‌های قبل از ما را فراهم می‌آورند. کتاب‌ها می‌توانند در مورد نجوم، فیزیک، گیاه‌شناسی و شیمی به ما بیاموزند. آن‌ها به ما پویایی‌های پرواز در فضا و چگونگی تغییرات آب و هوا را توضیح می‌دهند؛ ما را به باورها، اندیشه‌ها، ادبیات خود ما و ادبیات دیگران معرفی می‌کنند. و این کتاب‌ها هستند که ما را به قلمروهای جادویی مانند «اوز» و «سرزمین میانه»، «نارنیا» و «سرزمین عجایب» و جایی که «مکس» سطان جانوران وحشی می‌شود، می‌برند.

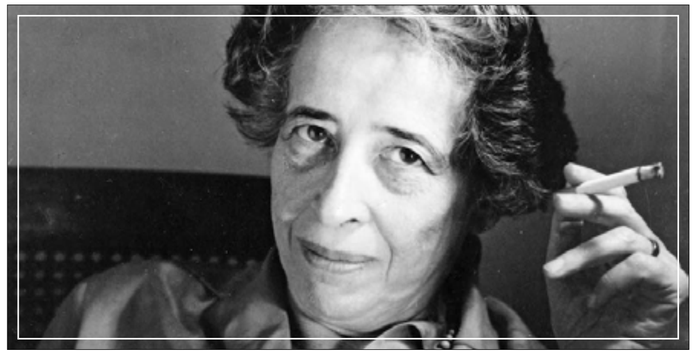

***

وقتی کودک بودم کتاب‌ها هم تفریح‌گاهم بودند و هم پناه‌گاهم. من تک‌فرزند خانواده‌ام بودم و عادت داشتم بیشتر اوقات را تنها بگذرانم. من کتاب‌هایم را در کارتن مقوایی یخچال، که پدرم با بریدن تکه‌هایی از دو طرف آن برایش در و پنجره باز کرده و به شکل خانه‌ی بازی درآورده بودش، می‌خواندم. شب زیر پتو با چراغ‌قوه کتاب می‌خواندم. وقتی زنگ تفریح مدرسه زده می‌شد، من به کتاب‌خانه می‌رفتم و کتاب می‌خواندم، به این امید که از شر قلدربازی‌های زمین بازی مدرسه در امان باشم. من در صندلی عقب موتر کتاب می‌خواندم هرچند این کار باعث موترگرفتگی‌ام می‌شد. من موقع ناهار هم می‌خواندم؛ و چون مادرم فکر می‌کرد کتاب و غذا با هم نمی‌سازند، کتاب نه، هرچه را که دم دستم بودم می‌خواندم. از خطوط روی قطی سریلاک گرفته تا کتاب‌چه‌های راهنمای لوازم خانگی، تبلیغات سوپرمارکت‌ها و طرز تهیه کیک قهوه‌ای. من دستورپخت دسر «پای سیب» را که پشت جعبه «کلوچه ریتز» نوشته شده بود، از بس زیاد خوانده بودم عملا می‌توانستم برای دیگران از حفظ بخوانم‌شان. من گرسنه‌ی کلمات بودم.

شخصیت‌های بعضی رمان‌هایی که در کودکی می‌خواندم آنقدر برایم واقعی می‌نمودند که شبها نگران بودم مبادا اگر کتاب را باز بگذارم از لای صفحات آن بیرون آیند. من تصور می‌کردم اگر کتاب را باز بگذارم برخی از شخصیت‌های ترس‌ناک «جادوگر شهر اوز» از «فرانک باوم»، مثلا میمون‌های بالدار، یا نوم کینگ شیطانی، یا مویی جادوگر که صاحب پودر خطرناک زندگی بود، از کتاب فرار می‌کنند و از اتاق خواب من به عنوان درگاه ورودشان به دنیای واقعی، جایی که ممکن است آشوب و ویرانی به بار بیاورند، استفاده می‌کنند.

من چند دهه قبل از این‌که به جان سریال «بازی تاج‌وتخت»، «افسارگسیخته» و «سوپرانوز»، بیفتم، به خواندن افراطی «اسرار ناسی درو»، «ماجراهای اسب سیاه» ، بیوگرافی‌های معروف و کل بخش‌های دائره‌المعارف جهانی رو آوردم. در دبیرستان و کالج کتاب‌های زیادی را راجع به اگزیستانسیالیسم (غریبه، بدون خروج، یادداشت‌های زیرزمینی، انسان غیرمنطقی، تولد تراژدی)، تاریخ سیاه‌پوستان (خودزندگی‌نامه مالکوم ایکس، آتش بعدی، آدمک در سرزمین موعود، سیاه مثل من، پوست سیاه ماسک سفید) و داستان‌های علمی تخیلی و آخرالزمانی (۱۹۸۴، مزرعه حیوانات، تپه ماهور، مرد مصور، فارنهایت ۴۵۱، پایان کودکی و گهواره‌ی گربه) پشت سرهم خواندم. خواندن من به هیچ وجه سیستماتیک نبود. در آن‌زمان من حتا نمی‌دانستم چرا به سمت این کتاب‌ها کشیده می‌شوم، گرچه اکنون که به گذشته می‌بینم، فکر می‌کنم من به عنوان یکی از معدود بچه‌های غیرسفیدپوست مدرسه‌ام، به سمت این کتاب‌ها که درباره غریبه‌ها نوشته شده بود، رفتم تا سعی کنم بفهمم که من غریبه مثل شخصیت‌های این کتاب‌ها، چه کسی هستم و به کجا تعلق دارم. بعدا فهمیدم که حتا «دورونی» در «اوز»، «آلیس» در «سرزمین عجایب» و «لوسی» در «نارنیا»، غریبه‌هایی بودند در سرزمین‌های بیگانه که سعی می‌کردند یاد بگیرند چگونه جهانی را بپیمایند که در آن تعداد معدودی از قوانین آشنا و معمول اعمال می‌شود.

کودک که بودم و کتاب می‌خواندم، خبری از اینترنت نبود و دقیق یادم نیست چگونه درباره کتاب‌ها و نویسندگان جدید باخبر می‌شدیم یا بر چه مبنایی تصمیم می‌گرفتیم چه کتابی را بعدا بخوانیم. فکر می‌کنم وقتی کودک بودم اولین‌بار با «همینگوی»، «رابرت پن وارن»، «جیمز بالدوین» و «فیلیپ راث» آشنا شدم، زیرا مقالاتی مربوط به آن‌ها یا نوشته‌شده توسط آن‌ها را در مجله Life or Look می‌دیدم. من «بهار خاموش» از «راشل کارسون» را از این جهت خواندم که مادرم آن‌را می‌خواند، شعرهای «تی اس الیوت» را خواندم به این دلیل که معلم موردعلاقه دبیرستانم، آقای «دینولفی»، ما را مجبور به حفظ «آوای عشق از ج. آلفرد پروفروک» کرد. من از جمله‌ی خوانندگانی بودم که مسائل زیادی را ابتدا از طریق کتاب‌ها و بعدا در زندگی واقعی‌ام تجربه کردم، نه برعکس این.

جیمز بالدوین باری گفت: «شما در کتاب چیزی را می‌خوانید و بعد فکر می‌کنید تنها برای شما اتفاق افتاده. بعد متوجه می‌شوید که نه ۱۰۰ سال پیش عین تجربه برای داستایوسکی اتفاق افتاده بود. این، رهایی است؛ رهایی بسیار بزرگ برای فردی رنج‌دیده و سخن‌کشیده که همیشه فکر می‌کند تنها است. به همین دلیل هنر مهم است.»

***

همان‌طور که «هانا آرنت» در کتاب سال ۱۹۵۱ خود «خاست‌گاه‌های توتالیتاریسم» می‌نویسد، دو تا از هیولاترین رژیم‌های تاریخ بشر در قرن بیستم به قدرت رسیدند و هردو بر نابودی حقیقت و براساس این تشخیص که بدبینی و بیزاری و ترس می‌تواند مردم را مستعد پذیرشِ دروغ‌ها و وعده‌های دروغین رهبرانی کند که به چیزی جز قدرت بی‌قید و شرط بسنده نمی‌کنند، بنیان نهاده شدند. او نوشت: «بهترین فرمان‌بر فرمان‌روای توتالیتر، یک نازی و یک کمونیست معتقد نیست، بلکه کسی است که برای او تفاوت میان واقعیت و افسانه (یعنی همان واقعیت تجربه) و تمایز میان راست و دروغ (یعنی همان معیار اندیشه‌ها) دیگر وجود ندارد.»

آنچه خواننده‌ی معاصر را نگران می‌کند این است که سخنان آرنت این‌روزها گزارشی از یک قرن پیش به‌نظر نمی‌رسد، بلکه به صورت فزاینده‌ای بازتاب ناخوشایند فضای سیاسی و فرهنگی امروز به‌نظر می‌رسد. بازتاب جهانی که در آن رییس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترمپ، دروغ را کسب خود قرار داده است (طبق محاسبه واشنگتن پست، ترمپ در سه سال تصدی کاخ سفید ۱۶۲۴۱ بار ادعای دروغین یا گمراه‌کننده کرده است) و اخبار جعلی و پروپاگاندا در مقیاس صنعتی توسط ترول‌های روسی و جناح راست افراطی تولید و از طریق شبکه‌های اجتماعی هم‌زمان به سراسر جهان پخش می‌شود.

ناسیونالیسم، بومی‌گرایی، نابه‌سامانی، ترس از تغییرات اجتماعی و خوارداشت افراد خارجی بار دیگر در حال افزایش است زیرا مردم، افتاده در تنگناهای پارتیزانی و «حباب‌های فیلتر»، دارند حس واقعیت مشترک و توانایی پل‌زدن بین خطوط اجتماعی و فرقه‌ای را از دست می‌دهند. قرار نیست با این استدلال شرایط امروز خود را با وحشت جانکاه دوران جنگ جهانی دوم مقایسه یا تشبیه کنیم، بلکه می‌خواهیم برخی شرایط و نگرش‌ها ـ که «مارگارت اتوود» آن‌ها را در «مزرعه حیوانات» جورج اورول «نشانه‌های خطر» نامیده ـ را بررسی کنیم که مردم را مستعد پذیرفتن و تبعیت از دیکتاتورهای عوام‌فریب می‌سازد و ملت‌ها را در معرض استبداد قرار می‌دهد.

در این‌جا برخی از نشانه‌هایی توضیح داده شده که آرنت آن‌ها را «میکانیسم‌های پنهانی» عنوان می‌کند، میکانیسم‌هایی که به موجب آن جنبش‌های توتالیتر درک سیاسی و اخلاقی را از بین می‌برند، میکانیسم‌هایی که رژیم‌های توتالیتر پس از به قدرت رسیدن، توسط آن رفتارهای مردم را تغییر می‌دهند:

یکی از علائم اولیه خطر، لغو حق پناهندگی افراد توسط کشورهاست. تلاش برای سلب حقوق پناهندگان، «میکروب یک بیماری مهلک» را با خود حمل می‌کند، زیرا وقتی «اصل برابری در برابر قانون» از بین برود، «برای دولت‌ها مقاومت در برابر وسوسه‌ی محروم‌کردن همه‌ی شهروندان از حقوق‌شان دشوارتر می‌شود.»

آرنت می‌گوید رهبران جنبش‌های توتالیتر «هرگز نمی‌توانند خطای‌شان را بپذیرند» و پیروان متعصب این جنبش‌ها، که از آمیزه‌ای از ساده‌لوحی و بدبینی رنج می‌برند، مرتب دروغ‌های آنان را باور می‌کنند. این مخاطبان که گرسنه‌ی روایت‌های ساده‌انگارانه‌ای هستند که دنیایی گیج‌کننده را برای‌شان توضیح دهد، «به چشم و گوش خود اعتماد ندارند»، اما از «فرار از واقعیت»، که کار پروپاگاندا‌ست، استقبال می‌کنند. پروپاگاندا می‌فهمد که مردم «همه وقت آماده هستند بدترین‌ها را باور کنند، هرچقدرهم پوچ باشد.» پروپاگاندا می‌فهمد که مردم «از این‌که فریب بخورند، شاکی نمی‌شوند»، زیرا آن‌ها « به هر حال هر اظهاراتی را دروغ می‌بینند.»

آرنت خاطرنشان می‌کند از آن‌جایی که حاکمان توتالیتر خواهان کنترل کامل هستند، تمایل دارند بر بوروکراسی‌های شدیدا ازکارافتاده ریاست کنند. استعدادهای درجه یک جای خود را به «فضول‌ها و احمقانی می‌دهند که کمبود هوش و خلاقیت‌شان بهترین تضمین برای وفاداری‌شان» به حاکمان توتالیتر است. در حکومت توتالیتر اغلب شاهد «تغییرات سریع و شگفت‌آور در سیاست» هستیم زیرا در این حکومت وفاداری مهم‌ترین است، نه عمل‌کرد یا کارایی.

آرنت می‌گوید حاکمان توتالیتر برای رسمیت دادن و تصدیق حس تعلق پیروان جنبش خود که درحال پیشرفت به‌سوی یک هدف دور است، مکررا برای خود مخالفان و دشمنان جدید می‌تراشند و «به محض انحلال یک گروه از مخالفان، جنگ ممکن است علیه دسته‌ی دیگر اعلان شود.»

آرنت معتقد است که یکی دیگر از صفات حکومت‌های توتالیتر، خوارداشت لجوجانه «عقل سلیم و منافع شخصی» است: موضعی که با توسل به کذب و انکار واقعیت‌ها تقویت می‌شود توسط رهبران خودبزرگ‌بین و مجنون قدرت اتخاذ می‌شود. رهبرانی که مشتاقند باور کنند که می‌توان شکست‌ها را انکار یا پاک کرد. رهبرانی که «به اندازه کافی دیوانه هستند که تمام منافع ـ اقتصادی، ملی، انسانی، نظامی ـ محدود و محلی را به نفع یک واقعیت کاملا ساختگی» که به آن‌ها عصمت و قدرت مطلق می‌بخشد، کنار بگذارند.

خواندن کتاب خاستگاه‌های توتالیتاریسم نه‌تنها به این دلیل که ما را به یاد جنایات هولناک و هیولایی آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی استالین در قرن بیستم می‌اندازد، ضروری است، بلکه همچنین به این دلیل ضروری است که همچون هشداری دلهره‌آور از پویایی‌هایی عمل می‌کند که می‌تواند به جنبش‌های توتالیتر در آینده امکان رشد دهد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه بیگانگی و بیزاری، بی‌ریشه‌گی و عدم اطمینان اقتصادی می‌تواند مردم را مستعد پذیرش دروغ‌پردازی و نظریه‌های توطئه مستبدان کند. این کتاب نشان می‌دهد که اسلحه‌سازی از تعصب و نژادپرستی توسط رهبران عوام‌فریب می‌تواند به جنبش‌های پوپولیستی استوار بر نفرت قبیله‌ای نیرو دهد و همزمان نهادهایی را که دیرپست برای محافظت از آزادی‌های ما و تقویت حاکمیت قانون ایجاد شده‌اند، تضعیف کند و حس مشترک انسانیت ما را نابود کند.

میچیکو کاکوتانی، منتقد ادبی، رییس پیشین منتقدان کتاب نشریه نیویورک تایمز و برنده جایزه پولیتزر سال ۱۹۹۸ برای نقد ادبی است.

گزارش

پایان ماه‌ها بلاتکلیفی

کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه ملی نخستین نشست خود را برگزار کرد

> محمدیونس قانونی، فراتر از بحث‌های کلی رفت و ضمن یادآوری این‌که صلح مسأله مهم و جدی برای مردم افغانستان است، گفت که صلح «قضیه ملی است. پیشنهاد می‌کنم که صلح از حوزه فعالیت دو دسته انتخاباتی بیرون کنید و به مردم افغانستان اختصاص بدهید.»

عباس عارفی
گزارشگر

نخستین نشست شورای عالی مصالحه ملی پس از ماه‌ها تأخیر با چهره‌ای حکومتی، شخصیت‌های سیاسی و جهادی دیروز، شنبه (۱۵ قوس) در ارگ ریاست‌جمهوری برگزار شد. رییس‌جمهور غنی در نشست افتتاحیه کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی گفت که مذاکرات صلح وارد مرحله دوم شده و صلح باید به دوام نظام در افغانستان منجر شود: «انقطاع نظام موجب بربادی می‌شود. صلح باید در داخل یک پروسه تنظیم شود که موجب تداوم نظام جمهوری اسلامی افغانستان باشد که در بین آن راه‌های حل زیادی وجود دارد، نه این‌که دستاوردهای گذشته ما را برباد دهد.» نشست افتتاحیه کمیته رهبری شورای مصالحه ملی با تأخیر ۶ ماهه پس از امضای توافق‌نامه سیاسی میان رییس‌جمهور غنی و داکتر عبدالله عبدالله، در حالی برگزار شد که روزهای اخیر تیم‌های مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان در دوحه روی کار شیوه‌ی مذاکرات صلح بین‌الافغانی به توافق رسیده‌اند و قرار است در روزها و هفته‌های پیشرو وارد مرحله بحث روی آجندای مذاکرات شوند.

کمیته رهبری شورای مصالحه اولین نشست را با درخواست از مردم برای آمادگی قربانی‌دادن در راستای صلح برگزار کرد؛ آن‌هم در شرایطی که همه روزه جنگ جاری از مردم قربانی می‌گیرد. در این نشست که همزمان به ریاست رییس‌جمهور غنی و داکتر عبدالله برگزار می‌شد، پس از خوانش بیانیه توسط سیدسعادت منصور نادری، وزارت دولت در امور صلح، رییس‌جمهور غنی، داکتر عبدالله عبدالله، حامد کرزی، عبدالرب‌رسول سیاف، محمدیونس قانونی، محمدکریم خلیلی، علامحمد نور و دیگر اعضای این نشست صحبت کردند.

رییس‌جمهور غنی در آغاز این نشست ضمن یادآوری این موضوع که حضور اعضای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی، پیام واضح به مردم و همکاران بین‌المللی حکومت افغانستان دارد، گفت «مذاکرات صلح به مرحله دوم رسیده؛ مرحله اول نشان داد که کار آسان نبود اما به نتیجه رسید. ضرورت واضح است که در مرحله دوم مشورت‌ها انجام شود که کار از همین نشست شروع می‌شود. باید روی نقشه راه به نتیجه برسیم.»

داکتر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی گفت که با حفظ دستاوردها، نهادها و دستگاه‌های سیاسی کشور، رفتن به‌سوی صلح از همه‌ی مردم افغانستان قربانی می‌خواهد: «به صلح نباید نگاه منفعت‌طلبانه داشته باشیم... به جایی رسیدیم که مردم باید تصمیم بگیرند، آن وقت باید آماده باشیم که به چه شیوه قدم‌ها را برداریم.» آقای عبدالله تأکید کرد که همه‌ی مردم افغانستان تقاضای آتش‌بس سرتاسری را دارند.

در نشست دیروز برخی چهره‌های سیاسی حضور نداشتند. صلاح‌الدین ربانی، گلبدین حکمتیار و رحمت‌الله نبیل غایب نشست دیروز بودند. آقای عبدالله گفت که رفتن به سوی صلح به اجماع و وحدت نیاز دارد: «در روزهای گذشته با حکمتیار صاحب و صلاح الدین ربانی دیدار داشتیم، همین‌قدر گفته می‌توانم که در این پروسه صلح هستند و وعده سپردند که در مشورت‌ها شرکت می‌کنند.»

حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین، که یکی از منتقدان سیاست‌های رییس‌جمهور غنی بوده و قبل از این پس از اعلام لیست اعضای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به فرمان رسمی رییس‌جمهور غنی، طی یک بیانیه‌ی گفته بود که در هیچ نوع ساختار رسمی حکومتی آماد همکاری نیست، در صحبت‌هایش گفت که «بیرون از رسمیات، همه‌ی ما برای رسیدن به صلح کوشش کنیم.»

عبدالرب رسول سیاف، یکی دیگر از رهبران جهادی و سیاسی در مورد ضرورت صلح گفت که «بدون شک صلح ضرورت است. اما آنچه برای ما ضرورت است برای طالبان ضرورت نیست.» آقای سیاف ضمن حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور و نظام سیاسی فعلی، گفت «من وقتی نام از نظام می‌گیرم، منظور از رییس‌جمهور غنی یا ارکان دولت نیست. منظور از این سقف است که با خون هزاران انسان برقرار شده و ما از این سقف حمایت می‌کنیم.» آقای سیاف گفت که «شکل نظام مربوط به اراده مردم می‌شود. وقتی طالبان به آغوش مردم آمدند، باز روی شکل نظام همراه‌شان گپ می‌زنیم.»

محمدیونس قانونی، فراتر از بحث‌های کلی رفت و ضمن یادآوری این‌که صلح مسأله مهم و جدی برای مردم افغانستان است، گفت که صلح «قضیه ملی است. پیشنهاد می‌کنم که صلح از حوزه فعالیت دو دسته انتخاباتی بیرون کنید و به مردم افغانستان اختصاص بدهید.» آقای قانونی گفت امیدوار است که «گرفتن تصویر از یک جمع و تصمیم در جای دیگر گرفته نشود.»

اعضای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی دو ماه قبل (۸ سنله) طبق فرمان رسمی رییس‌جمهور غنی مشخص شده بود. در فرمان ریاست‌جمهوری آمده بوده که «ایجاد شورای عالی مصالحه ملی به رهبری آقای عبدالله براساس ماده ۶۴ قانون اساسی و به هدف ایجاد اجماع ملی برای صلح سراسری و با توجه به توافق‌نامه‌ی سیاسی بیست‌وهشتم ثور، منظور است.» براساس فهرستی که در ضمیمه‌ی این فرمان منتشر شد؛ حامد کرزی، عبدالرب رسول سیاف، گلبدین حکمتیار، محمدکریم خلیلی، محمد محقق، مارشل عبدالرشید دوستم، محمدیونس قانونی، صلاح‌الدین ربانی، اسماعیل خان، علامحمدنور، حامد گیلانی، ذبیح‌الله مجددی، منصور نادری، عنایت‌الله شهرانی، انجینیر محمدخان، رییس شورای علما، اسماعیل غضنفر، صادق مدبر، خدایداد صالح، صفیه صدیقی، ماری اکرمی، نجیبه ایوبی، ضیاگل رضایی، عالیه یلماز، زرقا یفتلی، فریده مومند و نسرین اوریاخیل به عنوان اعضای کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی تعیین شده بودند. با این‌حال در روزهای اخیر به نقل از برخی منابع در حکومت، نام سید اسحاق گیلانی، فرخنده زهرا نادری و رحمت الله نبیل نیز در لیست اعضای کمیته رهبری افزوده شده، اما در نشست امروز این چهره‌ها حضور نداشتند.

آقای عبدالله در آن زمان بر صدور فرمان رسمی از سوی رییس‌جمهور غنی اعتراض کرد و گفت که طبق توافق‌نامه سیاسی تشکیل این شورا از صلاحیت‌های رییس‌جمهور نیست. پس از آن تشکیل کمیته رهبری و مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی از دستور کار هر دو تیم سیاسی رییس‌جمهور غنی و داکتر عبدالله بیرون شد، تا این‌که در هفته‌های اخیر انتقادها شدت گرفت. چنان‌که تشکیل و فعال‌شدن سریع این شورا از خواست‌های جدی جامعه‌ی جهانی پس از برگزاری نشست زنو (جینوا) بوده است.

با این‌حال نشست افتتاحیه شورای عالی مصالحه ملی در حالی برگزار شد که در هفته‌ی گذشته نماینده‌گی‌های سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و همچنان سفارت بریتانیا در کابل انتقادهایی را پیرامون تأخیر در تشکیل و برگزاری کمیته رهبری شورای عالی مصالحه مطرح کردند و خواستار نهایی‌شدن هرچه زودتر تشکیلات و آغاز به کار این شورا شده بودند.

گزارش

ویزای ایران؛ تجارتی پررونق دلالان در افغانستان

اطلاعات روز: «می‌گویند ویزا بسته است و فقط به تاجران داده می‌شود. اما من تاجر نیستم. به تکت‌فروشی‌ها رفتم آن‌ها گفتند که ۵۰ تا ۶۰ هزار باید بپردازم تا برایم ویزا و تکت بگیرند.» کمیل (مستعار) که بارها برای دریافت ویزای ایران جواب رد گرفته است. او که تصمیم دارد برای کارگری به ایران برود می‌گوید این مبلغ پول برای او که بیکار است و آه در بساط ندارد بسیار زیاد است. به‌دلیل بحران کرونا در ایران، سفارت این کشور صدور ویزا در افغانستان را محدود کرده است. بسیاری می‌گویند وضع محدودیت باعث بازار سیاه و رونق کمیشن‌کاران شده است. کسانی که در این گزارش با آن‌ها گفت‌وگو شده به اطلاعات روز گفته‌اند که در بدل صدور ویزا تا مرز ۵۰ هزار افغانی پرداخته و یا از آنان این مبلغ درخواست شده است. این افراد گفته‌اند که توسط دلال ویزای تجارتی برای افراد غیرتاجر گرفته می‌شود. سفارت ایران در کابل به تماس مکرر روزنامه اطلاعات روز پاسخ نداد.

«راه گنجشکک»

«ویزا در حال حاضر بند است، اما سفرها به ایران جریان دارد که تهران و مشهد را شامل می‌شود. در بازار سیاه کمیشن‌کارها از مردم ۷۰۰ تا ۷۵۰ دالر پول می‌گیرند که معادل ۵۸هزار افغانی می‌شود.» گفته‌های محمد از تجربه دریافت ویزای ایران در روزهای کرونایی است. محمد می‌گوید برخی از شهروندان افغانستان با گرفتن مکتوب شفاخانه و داشتن سابقه بیماری ویزای درمانی می‌گیرند، اما بسیاری دیگر با پرداخت پول بیشتر ویزای تجارتی دریافت می‌کنند.

شهروندان که در این گزارش به آن‌ها گفت‌وگو شده است می‌گویند اغلب شرکت‌های تکت‌فروشی به‌عنوان دلال و واسطه عمل می‌کنند. به همین دلیل در این گزارش اطلاعات روز به سراغ دلال‌ها نیز رفته است. حمید (مستعار) که در کابل تکت‌فروشی دارد می‌گوید ویزای ایران به‌طور رسمی بسته است، اما دلال‌ها زیر نام ویزای تجارتی برای کسانی که تاجر نیستند ویزه‌ی ایران را می‌گیرند. حمید می‌گوید روند کاری این نوع ویزا توسط کمیشن‌کاران و دلالان صورت می‌گیرد و خود شخص در آن دخیل نیست: «فعلا ویزای تجارتی باز است مردم برای تجارت به ایران نمی‌روند. سفارت یک راه گنجشکک را باز گذاشته با هزینه‌ی بالاتر به مردم این ویزا را می‌دهند. متقاضیان ویزای ایران بسیار زیاد است اما کسانی که ضرورت دارند مجبورند با هر هزینه‌ای به این کشور سفر کنند.»

بسته‌بودن ویزای ایران سبب رونق کار کمیشن‌کاران شده است. سمیع (مستعار) که در کابل تکت‌فروشی دارد و می‌گوید بیشتر مردم که نه تاجرند و نه کسب‌وکاری دارند و حتا دارای اسناد مریضی هم نیستند، توسط دلالان ویزای تجارتی می‌گیرند. سمیع می‌گوید در حالت عادی نرخ ویزای ایران ۸۰ یورو است، تکت ۳۲۰ دالر و بیمه خدمات درمانی نیز ۱۵ یورو است، اما در حال حاضر در بازار سیاه بیشتر از ۵۰ هزار افغانی نیز از مردم گرفته می‌شود: «کمیشن‌کارها در طی مراحل، با اسناد [جعلی] ویزه جور می‌کنند. کسانی که داخل سفارت هستند پول می‌گیرند و ویزا می‌دهند. سفارت به خانم‌ها ویزای تجارتی نمی‌دهند، اما راهی را جور کرده‌اند که این پول را از روبه‌رو نه بلکه از پشت پرده می‌گیرند.»

از زمانی که وضعیت کرونایی اعلام شد، ایران همواره جزو ده کشوری بود که در صدر لیست کشورهای با بیشترین افراد مبتلا به کرونا قرار دارد. میزان مرگ‌ومیر روزانه در این کشور هنوز زیاد است. با شیوع ویروس کرونا سفارت ایران در کابل ویزاهای این کشور را مسدود کرد، اما از اول ماه ثور به بعد با توجه به روابط بازرگانی میان ایران و افغانستان ویزای تجارتی از سر گرفته شد اما با عادی‌ترشدن وضعیت کرونا در تابستان امسال، صدور ویزا به حالت اول برنگشت.

سفارت ایران در ولایت‌های هرات، چغاد، قندهار و ننگرهار کنسولگری دارد. بیکاری و مشکلات امنیتی از علت‌های اصلی مهاجرت شهروندان افغانستان به ایران است. نزدیکی فرهنگی با این کشور سبب شده تا پای بسیاری از افغان‌ها را به آن کشور بکشاند. سفارت ایران در کابل وضع محدودیت برای ویزای این کشور را حالت اضطرار اعلام کرده و می‌گوید به‌دلیل این‌که این کشور هنوز در حالت خطر قرار دارد این محدودیت‌ها وضع شده است. اگرچه صدور ویزا نسبت به سابق کاهش یافته است، اما شمار متقاضیان سفر به ایران هنوز پابرجاست و رفت‌وآمد هواپیماهای مسافربری میان افغانستان-ایران گرم است.

سفارت ایران در کابل/عکس از شبکه‌های اجتماعی

«به تکت‌فروش گفتم من تاجر نیستم»

فرزانه (مستعار) که پدرش به همراه عروس و هفت نواسه‌اش به‌تازگی به ایران رفته‌اند می‌گوید برای دریافت ویزا هزینه هنگفتی را صرف کرده است: «می‌گویند راه بسته است ویزا نمی‌دهند. اما پدرم و نوه‌هایش ۹نفری رفتند، از راه قندهار رفتند. نفری ۵۰ هزار افغانی پرداختند. بیشتر از چهار لک افغانی.» فرزانه ادامه می‌دهد پدرش برای تأمین هزینه‌ی این سفر، خانه خود را ۱۵۰ هزار افغانی گرو داده و تمامی وسایل خانه را نیز فروخته است.

مهتاب که خود ساکن کابل است و خانواده‌اش در ایران زندگی می‌کند می‌گوید مدت‌هاست به‌دنبال ویزای ایران است، ولی به‌دلیل شیوع ویروس کرونا این سفارت ویزا نمی‌دهد. اما به او که چند وقت پیش به یکی از دفاتر خدمات مسافرتی مراجعه کرده، گفته شد ویزای سیاحتی نمی‌دهند. اما در عوض می‌تواند ویزای تجارتی را در بدل ۵۰ هزار افغانی به‌دست آورد: «به تکت‌فروش گفتم من تاجر نیستم پس چگونه این ویزا را می‌دهند، آن شخص گفت، به ما بسپارید فقط یک تا دو هفته طول می‌کشد و می‌توانیم این ویزا را برای شما جور کنیم.»

دستور ترمپ برای خروج اکثر نیروهای امریکایی از سومالی

اطلاعات روز: وزارت دفاع امریکا، پنتاگون، روز جمعه ۱۴ آذرماه اعلام کرد به دستور دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری این کشور نیروهای امریکایی از سومالی خارج می‌شوند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌گوید، اقدام پنتاگون برای خروج نیروهای امریکایی از سومالی، بخش از تصمیم‌های دونالد ترمپ پس از انتخابات برای کاهش ماموریت‌های نظامی ضد تروریستی در مناطق مختلف است.

پنتاگون بدون ارائه جزییاتی اعلام کرده است که اکثریت نیروهای امریکایی و تجهیزات آنها در اوایل سال ۲۰۲۱ از سومالی خارج خواهند شد.

به نقل از رادیو فردا، گفته می‌شود در حدود ۷۰۰ نیروی امریکایی در سومالی حضور دارند که علاوه بر ارائه آموزش و مشورت‌های لازم به نیروهای محلی، وظیفه مقابله با نیروهای القاعده و گروه الشباب در این منطقه را برعهده دارند.

با این حال، پنتاگون تصریح کرده است خروج نیروها از سومالی به معنای پایان اقدامات ضد تروریستی ایالات متحده در این منطقه نیست.

وزارت دفاع امریکا می گوید، به دنبال این تصمیم، ممکن برخی از نیروها ماموریت‌های جدیدی در شرق آفریقا واگذار شود.

پنتاگون اضافه کرده است: اما، نیروهای باقی مانده از سومالی به کشورهای همسایه منتقل می‌شوند تا این امکان را داشته باشند در عملیات فرامرزی توسط نیروهای امریکایی و شرکای آنها علیه سازمان‌های افراط گرای خشونت آمیز در سومالی مشارکت داشته باشند.

دونالد ترمپ ماه گذشته و پس از برگزاری انتخابات دستور کاهش شمار نیروهای امریکایی در عراق و افغانستان را صادر کرده است.

طبق این دستور شمار نیروهای امریکا در افغانستان تا ۱۵ ژانویه (شش هفته دیگر) به دو هزار و ۵۰۰ نیرو کاهش یابد.

رویترز می‌گوید، با توجه به این که اکنون شمار نیروهای امریکایی در حدود چهار هزار و ۵۰۰ نفر است، با کاهش این نیروها پرسش‌های بی پاسخی درباره آینده حضور نظامی امریکایی در افغانستان با توجه به روی کار آمدن دولت جو بایدن در کمتر از ۵۰ روز آینده مطرح است.

رییس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده هم اعلام کرد پنتاگون طرح کاهش نیرو در افغانستان را تصویب کرده است که براساس این طرح امریکا همچنان دو پایگاه بزرگ را در این کشور حفظ خواهد کرد.

ژنرال مارک میلی گفت، ارتش امریکا همچنان به دو ماموریت اصلی خود یعنی کمک به نیروهای امنیتی افغانستان در درگیری شبه نظامیان و همچنین انجام عملیات ضد تروریستی علیه شبه نظامیان حکومت اسلامی، داعش، و القاعده ادامه خواهد داد.

امریکا در سال ۲۰۰۱ و به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به افغانستان حمله و حکومت طالبان را که به گروه القاعده پناه داده بود را سرنگون کرد. از آن زمان دولت مورد حمایت امریکا در افغانستان قدرت را در این کشور در دست داشته است، اما طالبان بخش های وسیعی از افغانستان را در کنترل خود دارد.

عربستان:

از مذاکره امریکا و ایران حمایت می‌کنیم، اما تهران درهای گفت‌وگو را بسته است

اطلاعات روز: فیصل بن فرحان ، وزیر امور خارجه عربستان روز جمعه ۱۴ آذر ایران را به اقدامات تروریستی در اروپا متهم کرد و گفت که ریاض از گفت‌وگو بین واشینگتن و تهران حمایت می‌کند، ولی این ایران است که درهای گفت وگو را بسته است.

به گزارش بخش انگلیسی شبکه العربیه، فیصل بن فرحان گفت، پادشاهی عربستان از گفت‌وگوی امریکا و ایران حمایت می‌کند، اما این تهران است که درهای گفت وگو را بسته است.

به نقل از رادیو فردا، وزیر خارجه عربستان که در یک ویدئو کنفرانس در مجمع « گفت‌وگو در حوزه مدیترانه» صحبت می‌کرد، اظهار داشت، شما شاهد دخالت ایران از لبنان تا سوریه و از یمن تا عراق هستید، ایران در این مناطق ضمن حمایت مالی و نظامی از شبه نظامیان با استفاده از خشونت، از حملات نظامی به دفاتر دیپلماتیک، برنامه سیاسی خود را پیش می‌برد.

فیصل بن فرحان در ادامه گفت، ما دست ایران را در توطئه‌های تروریستی در اروپا و دیگر مناطق می‌بینیم.

اشاره احتمالی وزیر خارجه عربستان به موضوع دادگاه دیپلمات ایرانی در بلژیک است که به اتهام دست داشتن در طرح بمب‌گذاری در یک گردهمایی سازمان مجاهدین خلق بازداشت شده است.

جمهوری اسلامی ایران هر نوع دخالت و آگاهی تهران را از تلاش برای انفجار در گردهمایی مجاهدین خلق در تیر ۱۳۹۷در پاریس، قاطعانه تکذیب کرده است و می‌گوید پرونده و اتهامات طرح شده علیه این دیپلمات، «نقض مصونیت دیپلماتیک» است.

وزیر خارجه عربستان در ادامه با اشاره به ترور محسن فخری‌زاد تأکید کرد که عربستان سعودی از «ترور» حمایت نمی‌کند، و این بخشی از «سیاست» ریاض نیست.

محسن فخری‌زاده مهابادی، از مقامات ارشد برنامه هسته‌ای -نظامی ایران در روز جمعه هفتم آذر ماه در «منطقه آبسرد» دماوند مورد سوءقصد قرار گرفته و کشته شد. مقام‌های سیاسی و نظامی ایران، اسرائیل را مسئول ترور محسن فخری زاده می‌دانند و وعده گرفتن انتقام او را داده‌اند. با این حال اسرائیل تاکنون در این زمینه سکوت کرده است.

گفت‌وگوی واقعی

وزیر خارجه عربستان همچنین گفته است: دولت ترمپ آماده گفت‌وگو با ایران بود و این ایران بود درهای مذاکره را بست.

فیصل بن فرحان در ادامه تصریح کرد، ما آماده‌ایم تا درباره موضوعات مهمی که مایه نگرانی هستند، گفت‌وگوی واقعی انجام دهیم، از جمله در خصوص تکثیر تسلیحات هسته‌ای، استفاده از موشک های بالستیک و« مهمتر از همه» فعالیت‌های بی ثبات کننده آن».

وزیر خارجه عربستان در ادامه گفت، بدون پرداختن به مسائلی مانند نقش مخرب ایران در تامین مالی گروه های مسلح و سازمان های تروریستی در منطقه و تلاش برای تحمیل اراده خود با زور به سایر کشورها، ما پیشرفت نخواهیم داشت.

عربستان سعودی همانند دولت دونالد ترمپ خواستار توافق گسترده تری با ایران بود که شامل برنامه هسته ای، برنامه موشکی و فعالیت های منطقه‌ای جمهوری اسلامی بشود.

ایران و عربستان در تعدادی از درگیری و جنگ‌های منطقه از جمله یمن و سوریه از طریق نیروهای نیابتی خود در برابر هم قرار دارند.

فیصل بن فرحان همچنین دوم آذرماه گفته بود عربستان و امریکا همکاری‌های طولانی مدت با هم داشته‌اند و ریاض آماده همکاری با هر دولتی است که در واشینگتن بر سر کار بیاید اما تاکید ما این است، رییس‌جمهوری آتی امریکا اگر خواهان تعامل مجدد با ایران است «باید عربستان را شریک مذاکرات کند.»

واکسن کرونا؛ روسیه واکسیناسیون گسترده را آغاز کرد

اطلاعات روز: روسیه برنامه واکسیناسیون گسترده کووید ۱۹را در کلینیک‌هایی در مسکو آغاز کرده. واکسن «اسپوتنیک وی» در اولین مرحله به کسانی که بیشتر در معرض خطر ابتلا به این ویروس هستند، تزریق می‌شود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، روسیه از واکسن «اسپوتنیک وی» که در ماه اوت به ثبت رساند در حالی برای واکسیناسیون شهروندانش استفاده می‌کند که هنوز در مراحل نهایی آزمایش‌های انسانی است.

سازندگان این واکسن کارایی آن را ۹۵ درصد عنوان کرده و گفته‌اند که هیچ عارضه جانبی مهمی ندارد و همچنان آزمایش‌های وسیعی بر روی آن در حال انجام است.

ولادیمیرپوتین، رییس‌جمهور روسیه مایل است که این کشور در واکسیناسیون گسترده در جهان پیشتاز باشد و همچنین اقتصاد این کشور به فعالیت ادامه دهد.

هزاران نفر تاکنون برای آن که ظرف امروز و فردا بتوانند دو تزریق از این واکسن را دریافت کنند، ثبت نام کرده‌اند. اما مشخص نیست که روسیه چقدر می تواند از این واکسن تولید کند.

تولید کنندگان تنها انتظار دارند که تا پایان سال جاری میلادی (کمتر از یک ماه دیگر) دو میلیون دوز از این واکسن تولید شود.

سرگئی سوبیانین، شهردار مسکو که برنامه گسترده واکسیناسیون را چند روز پیش اعلام کرد، گفت که این واکسن در مرحله اول به افرادی زده می‌شود که در مدارس، بخش درمانی و بخش خدمات اجتماعی به کار مشغول هستند.

او گفته که هرچه بیشتر واکسن دردسترس قرار بگیرد، گروه‌های بیشتری به این فهرست اضافه خواهند شد.

یک سرویس آنلاین ثبت نام به ساکنان ۱۸ تا ۶۰ ساله مسکو که در مشاغل فوق هستند، اجازه می دهد تا زمانی را در ۷۰ محل تزریق واکسن در این شهر رزرو کنند.

واکسن ها در بین مردم نسبت به دریافت این واکسن متفاوت است.

ایگورکریوبوکوف یکی از ساکنان مسکو به خبرگزاری رویترز گفته: «من این واکسن را دوست دارم. فرصتی می دهد تا اوضاع تغییر کند و از میزان ابتلا بکاهد.»

اما سرگئی گریشین، دیگر شهروند مسکو گفته که قصد ندارد در این برنامه واکسیناسیون شرکت کند.

به گفته او «این روند طولانی است. تنها میزان اندکی از این واکسن تولید شده...بگذاریم دیگران واکسینه شوند. اگر این کار را انجام دهند. من زنده می مانم.»

در حال حاضر شمار کل مبتلایان در روسیه ۲ میلیون و ۳۸۲ هزار و ۱۲ نفر اعلام شده و آمار مرگ و میر هم ۴۱ هزار و ۷۳۰ نفر.

مسکو مرکز همه‌گیری ویروس کرونا در روسیه است. روزانه در این شهر هزاران نفر به کووید ۱۹مبتلا می شوند و دهها نفر هم جان خود را از دست می دهند. بیمارستان ها در سراسر این شهر مملو از بیماران مبتلا به کروناست.

دولت روسیه اجرای قرنطینه را در مسکو رد کرد، اما در ماه نوامبر شهردار این شهر محدودیت هایی را در ساعات کار بارها و میخانه‌ها اعمال کرد. فعالیت دانشگاه‌ها آنلاین شد و برگزاری رویدادهای ورزشی و فرهنگی هم کاهش یافت.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
• سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
• مترجم: جلیل پژواک
• ویراستار: شیر مهریار
• صفحه آرا: رضا مظفری
• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

کنایه ژوزه به کلوپ و پپ:

کسی برای ما گریه نکرد

ژوزه مورینیو با لحنی کنایی به انتقادهای کلوپ و گواردیولا به برنامه فشرده مسابقات واکنش نشان داد و خطاب به آنها گفت کسی برای تاتنهام گریه نکرد.

ژوزه مورینیو با لحنی کنایی نسبت به مربیانی مثل یورگن کلوپ و پپ گواردیولا که به فشردگی مسابقات انتقاد کرده بودند واکنش نشان داد و گفت در اوایل فصل که تاتنهام با برنامه‌ای بسیار فشرده و بی‌رحمانه مواجه بوده کسی برای او و تیمش گریه نکرده است.

یورگن کلوپ اخیراً بیش از هر مربی دیگری به برنامه مسابقات انتقاد کرده و خواهان فاصله بیشتر بین بازیها بوده. علت اصلی انتقادهای کلوپ این است که او با لشگری از بازیکنان مصدوم مواجه است.

مورینیو اما در آستانه دیدار امروز تیمش با آرسنال در دربی شمال لندن به همکارانش یادآور شد که در ابتدای فصل وقتی تیم او مجبور بوده در ۱۸ روز ۸ بازی انجام بدهد کسی از او حمایت نکرده است.

مورینیو در این باره گفت: « بله ما در یک هفته چهار بازی انجام دادیم و هیچکس نه برایمان گریه کرد و نه حمایت‌مان کرد. همکاران من کی قرار است در چنین بازه زمانی‌ای این همه بازی کنند؟ »

سرمربی تاتنهام در ادامه از برنامه لیگ برتر و مساوی نبودن تعداد بازی‌های تیم‌ها انتقاد کرد. در حال حاضر چندین تیم لیگ برتری یک بازی کمتر از تاتنهام انجام داده اند. برای مثال منچستریونایتد و منچسترسیتی در ماه آگوست به دلیل حوضرشان در رقابتهای اروپایی شاهد عقب افتادن بازی‌های خود بودند.

مورینیو در این باره گفت: « قبول کردن اینکه چهار باشگاه یک بازی کمتر از باقی تیم‌ها داشته باشند واقعاً سخت است. من حتی نمی دانم آنها چه زمانی قرار است بازی عقب افتاده شان را انجام بدهند. نمی دانم برنلی، منچسترسیتی، استون ویلا، منچستریونایتد و نیوکاسل چه زمانی قرار است بازی کنند. قبولش سخت است چون این شرایط روی رقابت تاثیر می‌گذارد. ولی سعی می‌کنم جواب این سوال را پیدا کنم. من این هفته سعی کردم جواب سوالم را پیدا کنم ولی هیچکس تا این لحظه جوابی به من نداده است».

یورگن کلوپ:

ما هنوز لیورپول هستیم

یورگن کلوپ می‌گوید از تعداد بالای مصدومین تیمش به عنوان بهانه استفاده نخواهد کرد. او خطاب به خبرنگاران گفت: « ما هنوز لیورپول هستیم».

یورگن کلوپ سرمربی لیورپول در آستانه بازی امروز تیمش مقابل ولوز می‌گوید از تعداد بالای مصدومین تیمش به عنوان بهانه استفاده نخواهد کرد. کلوپ به خبرنگاران گفت جایگاه و شأن باشگاه لیورپول باعث می‌شود در هر شرایطی از این تیم انتظار پیروزی برود چرا که به قول کلوپ: « ما هنوز لیورپول هستیم».

لیورپول با اینکه با بحران مصدومیت مواجه است ولی در حال حاضر با تفاضل گل کمتر نسبت به تاتنهام در رتبه دوم جدول لیگ برتر ایستاده و به مرحله یک هشتم لیگ قهرمانان هم صعود کرده است. جدیدترین خبر خوب برای کلوپ در میانه این بحران این است که الکساندر آرنولد و نبی کیتا از روز جمعه به تمرینات تیم بازگشته اند.

کلوپ در آستانه بازی امروز تیمش با ولوز گفت: « هر کسی که بتواند بازی کند و به زمین فرستاده بشود مهم این است که ما هنوز لیورپول هستیم. دیدگاه ما نسبت به این مساله این است. ما همیشه می خواهیم برنده باشیم».

سرمربی لیورپول در ادامه گفت: « خیلی‌ها هم همین دید و همین انتظار را از لیورپول دارند. انتظار پیروزی. قبل از بازی یا بعد از بازی کسی در این باره صحبت نمی کند که چه بازیکنانی در دسترس هستند. در لیورپول کسی به شما اجازه نمی دهد از این شرایط به عنوان بهانه استفاده کنید. ما هم این کار را نمی کنیم و نخواهیم کرد».

زلاتان:

تصمیم داشتم تابستان بازنشسته شوم

زلاتان ابراهیموویچ می‌گوید تصمیم گرفته در تابستانی که گذشت بازنشسته شود اما در نهایت در تصمیم خود تجدیدنظر کرده است.

زلاتان ابراهیموویچ ستاره سوئدی کهنه‌کار آث میلان می‌گوید تصمیم داشته در تابستانی که گذشت اعلام بازنشستگی کرده و با فوتبال خداحافظی کند اما در نهایت در این تصمیم خود تجدیدنظر کرده و برای یک فصل دیگر قراردادش با روسنوری را تمدید کرده است.

زلاتان در این فصل هم نشان داده که در ۳۹سالگی می تواند مثل بازیکنان بیست و چند ساله بدرخشد. او در فصل جاری در ۱۰ بازی برای میلان ۱۱ گل به ثمر رسانده و نقش مهمی در صدرنشینی روسنوری در سری آ داشته است. میلان در حال حاضر با پنج امتیاز اختلاف نسبت به رقیب همشهری‌اش اینتر صدرنشین لیگ ایتالیا است.

زلاتان در گفتگویی با هم تیمی سابقش ماسیمو آمبروسینی برای شبکه اسکای ایتالیا گفت: « تیم ما تشنه موفقیت است و شور و شوق زیادی دارد. ما شرایط خوبی داریم. ولی نباید به دنبال هدف خاصی باشیم یا رویاپردازی کنیم. بهترین راه این است که بازی به بازی جلو برویم و در هر بازی فقط به همان مسابقه فکر کنیم. من البته برای خودم هدف دارم ولی می دانم که این تیم موفق می‌شود چون تیم خیلی جوانی است که آینده اش روشن است».

ابراهیموویچ در ادامه صحبتهایش گفت: « به جای پیوستن به تیمی که خودش در اوج است، اینکه آدم به تیمی منتقل شود که در اوج نیست و آن را به اوج برساند خیلی بهتر است. اگر من می‌ترسیدم با میلان قرارداد نمی‌بستم. در یونایتد هم اوضاع همین بود. می‌گفتند زلاتان خیلی پیر است و حتماً ناکام می‌شود. ده سال پیش من شرایط و غرور دیگری داشتم ولی امروز باتجربه تر شده ام. در جوانی شما خیلی احساساتی هستید ولی من حالا شرایط را بهتر درک می کنم».

زلاتان درباره تصمیمش به بازنشستگی گفت: « پیولی از من پرسید چکار می خواهی بکنی. گفتم نمی خواهم ادامه بدهم. دیگر بس است. خانواده من برایم مهم است. تا شش ماه اشکالی ندارد ولی حاضر نیستم یک سال دیگر بمانم. پیولی هم گفت به تصمیمت احترام می گذارم. ولی روز بعد که صحبت کردیم گفتم تصمیم گرفته ام بازنشسته شوم. اما بعد دوباره نظرم عوض شد و نمی خواستم بعد از چیزی افسوس بخورم. این بود که به میلان زنگ زدم و گفتم تصمیم گرفته ام ادامه بدهم».

آرتتا:

تاتنهام امسال بهتر از آرسنال کارکرده

میکل آرتتا سرمربی آرسنال در آستانه دیدار امروز با تاتنهام در دربی شمال لندن می‌گوید تاتنهام در این فصل نسبت به تیم او بهتر کار کرده است.

درحالیکه آرسنال امروز در دربی شمال لندن در استادیوم تاتنهام به مصاف این تیم می رود میکل آرتتا سرمربی توپچی‌ها اذعان کرد که تاتنهام در فصل جاری نسبت به تیمش بهتر کار کرده است. آرتتا اما گفت تیمش مصمم است در بازی امروز فاصله هشت امتیازی اش با تاتنهام را کاهش دهد.

آرتتا در آستانه بازی امروز مقابل تاتنهام گفت: « شرایط جدول اینطور است که تاتنهام را در صدر می‌بینیم چرا که آنها در این فصل استحقاق این صدرنشینی را داشته اند و بهتر از ما کار کرده اند. آنها در برخی بازی‌ها عالی بوده اند و نتایجی که باید را بدست آورده اند. ما باید این را بپذیریم. ولی ما می‌خواهیم با این قصد به زمین تاتنهام برویم که فاصله مان را به اندازه سه امتیاز کمتر کنیم».

سرمربی آرسنال در ادامه گفت: « به نظرم هنوز خیلی زود است که بخواهیم مدعیان قهرمانی را مشخص کنیم. ولی می توان گفت که تاتنهام به این دلیل در صدر جدول ایستاده که خوب کار کرده و این موقعیت حقش بوده است. آنها الان سرشار از اعتماد به نفس هستند و به خودشان و تیم شان اعتقاد دارند».

خبرهای کوتاه

تاریخ بازگشت تماشاگران به ورزشگاه های اسپانیا

هرچند رئیس لالیگا اخیرا از جنوری ۲۰۲۱ به عنوان تاریخ احتمالی برگزاری باز یها با حضور تماشاگران یاد کرد ولی این قضیه با چراغ سبز دولت اسپانیا روبرو نشد.

هفته گذشته خاویر تباس در مصاحبه با برنامه خوگونس از شبکه لاسستا اعلام کرد که احتمالا از جنوری ۲۰۲۱ مجوز برگزاری بازی با حضور هواداران صادر خواهد شد. ورزشگاه ها قرار نیست پر شوند ولی باشگاه ها اجاره خواهند داشت تا ۲۰ درصد ورزشگاه را به هواداران اختصاص دهند.

طبق ادعای مارکا، این ایده با مخالفت دولت و مسئولان بهداشت اسپانیا مواجه شده است. شرایط پاندمی کرونا در اسپانیا هنوز به وضعیت عادی نزدیک نشده است و به همین دلیل دولت در نظر دارد از ماه اپریل این مجوز را صادر کند.

به این ترتیب می توان گفت که فینال کوپا دل ری فصل گذشته بین سوسیداد و بیلبائو که هنوز برگزار نشده، اولین بازی با حضور تماشاگر در اسپانیا پس از شیوع کرونا خواهد بود و در ورزشگاه کارتوخای سویا به انجام خواهد رسید. دو تیم ایالت باسک از فدراسیون فوتبال اسپانیا درخواست کرده بودند تا این بازی به تعویق بیفتد تا شرایط بازگشت تماشاگران به ورزشگاه مهیا شود.

۴ آپریل یعنی دو هفته قبل از فینال کوپا دل ری ۲۰۲۱، تاریخی است که برای فینال فصل قبل در نظر گرفته شده و احتمالا نیز با حضور هواداران خواهد بود.

بهترین سنگربان تاریخ به انتخاب رومینیگه:

مانوئل نویر

کارل هاینتس رومینیگه رئیس باشگاه بایرن مونیخ با ستایش از مانوئل نویر سنگربان این تیم می‌گوید او بهترین دروازه‌بان تاریخ فوتبال است.

کارل هاینتس رومینیگه رئیس باشگاه بایرن مونیخ از مانوئل نویر سنگربان این تیم ستایش کرده و مدعی است نویر بهترین دروازه‌بان تاریخ فوتبال است. رئیس بایرن می‌گوید نویر ۳۴ساله دروازه‌بانی را به سطحی جدید ارتقا داده و شایسته چنین عنوانی است.

بایرن مونیخ امسال با پیش‌بینی اینکه نویر به زودی بازنشسته خواهد شد هزینه زیادی برای جذب الکساندر نوبل سنگربان جوان شالکه کرد. اما نویر در این مدت درخشان ظاهر شده و به گفته رومینیگه در ۳۴سالگی روز به روز بهتر می‌شود.

رومینیگه در گفتگو با وبسایت رسمی بوندس لیگا در این باره گفت: « مانوئل نویر در ۳۴ سالگی روز به روز بهتر می‌شود. او تقریباً هر شوتی که شلیک می‌شود را به دقت پیش بینی می‌کند و توپ را سیو می‌کند. ما این را در هفته های اخیر چه در بوندس لیگا و چه در چمپیونزلیگ شاهد بوده ایم».

رئیس بایرن مونیخ در ادامه گفت: « نویر بهترین دروازه بان دنیا است و به نظر من او بهترین سنگربان تاریخ فوتبال است. ما همیشه در آلمان و در بایرن دروازه‌بانهای خوبی داشته ایم. کسانی مثل سپ مایر و اولیور کان. ولی مانوئل نویر به نظر من دروازه‌بانی را به سطحی بالاتر ارتقا داده و ما خیلی خوشحالیم که او را درون دروازه تیم‌مان می بینیم».

جمهوری اسلامی افغانستان
اداره ملی تنظیم امور آب
ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
امریت تدارکات امور ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی
د افغانستان اسلامی جمهوری
د اوبو دچارو دتنظیم ملی اداره

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می شود اینکه، اداره ملی تنظیم امور آب در نظر دارد، قرارداد پروژه اعمار تصفیه خانه فاضل آب با تجهیزات آن دارای شماره داوطلبی (NWARA/PD/W246-99/ NCB) را با شرکت ساختمانی، سرکسازی و تولید مواد ساختمانی مصعب قاسم دارای نمبر جواز (۲۱۱۸۲-D--) آدرس: کارته پروان ناحیه ۲، کابل به قیمت مجموعی مبلغ (۹,۵۱۲,۲۸۶) نه میلیون و پنجصد و نزده هزار و دوصد و هشتاد و شش افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اطلاعیه الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن رسما به ریاست تدارکات اداره ملی تنظیم امور آب واقع سرک دارالامان - سناتوریم وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.
این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.
نوت: مدیریت محترم عمومی IT و آمریت محترم تسهیل قراردادها و پلانگذاری اعلان هذا را مطابق تاریخ صدور این نامه به نشر رسانند.

اطلاعات روز

Sunday | 06 December 2020 | Year 09 | No 2040

یک‌شنبه | ۱۶ قوس ۱۳۹۹ | سال نهم | شماره ۲۰۴۰

دو با دو مساوی به مرگ

خوانشی از فیلم کوتاه «دو با دو»

نصرالله گوهری

> حالا او میان مرگ و زندگی قرار گرفته است. باید یکی را انتخاب کند. یا ۵ که به او زندگی می‌بخشد، هرچند ذلت‌بار و یا ۴ که او را به مرگ می‌کشاند، مرگِ باعزت. بقیه‌ی شاگردان صنف مات و مبهوت دارند صحنه را نظاره می‌کنند. او تباشیر را می‌گیرد و نگاهی به اطرافش می‌اندازد و دقیقا کاری می‌کند که وینستون زیر ضربه‌های شلاق انجام داده بود: «آزادی زمانی آزادی است که ۲+۲=۴ شود.»

«دو با دو» فیلم کوتاهی است از بابک انوری که در سال ۲۰۱۱ در انگلستان در یک مکتب ایرانی تهیه شده و روی پرده سینما به نمایش گذاشته شد. این فیلم در ۶۵مین دور جوایز بفتای سال ۲۰۱۲ برای دریافت جایزه بهترین فیلم کوتاه نامزد شد. فیلم از جایی شروع می‌شود که مدیر مکتب در بلندگوها اعلام می‌کند بعد از این، تغییرات مهم در نظام آموزش به‌وجود خواهد آمد و تمام دانش‌آموزان برای تبعیت از دستورالعمل‌های آموزگاران مکلف‌اند. کلاس با ۲+۲=۵ با حضور یک استاد و دوازده شاگرد شروع می‌شود و با رخداد غم‌انگیزی ختم می‌شود. لذا سعی کردم از رهگذر این فیلم خوانشی داشته باشم در رابطه به وضع حاکم آموزشی و موارد حاشیه‌ای دیگر.

ترس و تداوم استبداد

جورج اورول در کتاب ۱۹۸۴ به روایت صحنه‌ای می‌پردازد که شکنجه‌گر درحالی‌که وینستون را شکنجه می‌کند می‌گوید: «برای من این مهم نیست که مجرمی یا خیر، بل مهم این است که قبول کنی ۲+۲=۵ می‌شود.» وینستون در جواب می‌گوید: «آزادی آن آزادی است که بگوییم دو برعلاوه دو برابر است به چهار.» بابک انوری دقیقا عین موضوع را در قالب فیلم بیان کرده است. وقتی معلم آنچه را در تخته نوشته، می‌خواند، شاگردان به تعقیب‌اش طوطی‌وار تکرار می‌کنند. بعد از تشریح درس استاد متکبرانه شروع می‌کند به قدم‌زدن جلو صنف و شاگردان با شک و تردید آمیخته با ترس آنچه را برای‌شان دیکته شده، می‌نویسند. ناگهان یکی از شاگردان با دلهره دست بلند می‌کند و تته پته کرده می‌پرسد، استاد من فکر می‌کنم دو با دو مساوی به چهار می‌شود، مگر نه؟ استاد با بلغورکردن جمله‌ی «نباید فکر کنی!» دانش‌آموز را بدون این‌که موقف اعتراض بدهد با تهدید در جا میخکوب می‌کند. این صحنه پیام مهمی را به بیننده انتقال می‌دهد: ترس و تداوم استبداد. شاگرد می‌ترسد و سکوت می‌کند تا استاد همچنان جولان زند. این سکانس یک حقیقت تلخ و شکننده از متن نظام آموزش مکاتب را افشا می‌کند. به ما اطمینان می‌دهد که هنوز در مکاتب ظلم و استبداد جریان دارد که جلوش باید گرفته شود. درست است که از بچه دانش‌آموز چیزی بزرگی را نمی‌توان توقع داشت اما مخاطب فیلم مردم است. دیدن این فیلم باید جرقه ایجاد کند برای تک تک افراد تا باشد که در مقابل این حقایق تلخ ایستادگی شود. آن‌گونه که خودِ انوری در مورد فیلم می‌گوید: «برای من همیشه جالب بود که ببینم مردم تا کجا عقب می‌نشینند و اجازه می‌دهند که به آن‌ها زور گفته شود. آیا می‌توان نقطه‌ای را تعیین کرد که از آن‌جا به بعد شکستن مرزهای پرسش واجب شود؟» باید خاطرنشان شود که فیلم صرف بیانگر رفتارهای دیکتاتورمآبانه در نظام‌های آموزشی نیست، بلکه می‌تواند پا را فراتر بگذارد. یعنی از این سکانس می‌توان خوانش‌های متنوع در عرصه‌های متفاوت وضع حاکم ارائه داد و هرنوع سکوتی را در مقابل ظلم که باعث تداوم استبداد می‌شود نشانه گرفت. به‌طور مثال: جنگ و جان‌فشانی سربازان ارتش با وجود این‌که از معامله‌های قومندان‌شان مطلع‌اند؛ سرسپردگی پرولتاریا که به‌دلیل ترس از دست‌دادن زندگی بخورونمیرشان علیه ظلم بورژوازی متحد نمی‌شوند و نمی‌شورند؛ هوراکشیدن و چهچه‌زدن توده‌ها در محضر رهبر خائن به ظاهر محبوب؛ خاموشی رعیت در قبال حکومت نامشروع؛ ایستادن مأموم در پشت سر امام تبهکار؛ استفاده بی‌وقفه از شبکه‌های انترنتی به‌رغم فاجعه‌های ناشی از آن؛ سوختاندن خروارها زغال با توجه به آلودگی هوا و آمار روزافزون سرطان ریه و خون و بسا موارد دیگر که طعم زندگی را هر روز زهراگین‌تر می‌کند و همه درحالی‌که این زهر را مزمزه کرده و قورت می‌دهند دست زیر الاشه گرفته تماشا می‌کنند. یعنی سکوت آگاهانه در مقابل فجایع مرگبار که خود نمایانگر جبن و بزدلی است و باعث می‌شود که استبداد پشت استبداد و فاجعه پشت فاجعه جریان داشته باشد. هرچند به ظلم گردن نهیم فشارش بیشتر می‌شود و کمرشکن‌تر. اگر از یک جهت تقصیر را حواله‌ی دیگران کنیم، از دیگر جهت خود ما چون منفعلانه عمل می‌کنیم مقصریم. لذا آقای انوری به خوبی از پس این ماجرا برآمده تا تلنگری زده باشد بر خفتگان. به‌هرحال، برای این‌که از اصل موضوع دور نشویم، ادامه‌ی ماجرای فیلم را پی می‌گیریم.

جسارت و مرگ

ماجرای صنف تا جایی که در بالا اشاره شد، ختم نمی‌شود. شاگرد جسوری دیگر می‌ایستد و خطاب به استاد می‌گوید: «وقتی همیشه دو با دو چهار می‌شود، پس چرا این بار پنج می‌شود؟» استاد با گفتن اینکه «کی به تو حق داد که سوال کنی؟» سعی می‌کند با سماجت شاگرد را وادارد تا عین سخنان او را تکرار کند، اما دانش‌آموز نه‌تنها سخنان استادش را تکرار نمی‌کند، بلکه با جرأت تمام رو به بقیه شاگردان می‌گوید: «همه می‌دانید که دو با دو چهار می‌شود پس چرا چیزی نمی‌گویید؟» شاگرد با این پرسشی که مطرح می‌کند همصنفانش را به مبارزه می‌طلبد. از آن‌ها می‌خواهد در مقابل دروغ بایستند، حتا اگر از طرف استاد هم باشد. این جسارت شاگرد، استاد را مجبور می‌کند تا برای اثبات ادعای کاذب خویش دانش‌آموزان برتر مکتب را فرا بخواند. وقتی استاد از صنف می‌برآید، شاگرد از طرف همصنفانش شدیدا تهدید می‌شود که گستاخی نکند و باعث دردسر نشود. در واقع همصنفانش از او می‌خواهند که بدون چون و چرا تن به ذلت دهد و خاموشی پیشه کند. با این حال، محافظه‌کاری از دیگر مواردی است که میدان را برای مستبدین بازتر می‌کند. چون آن‌هایی‌که به‌نحوی بزدل و محافظه‌کارند و جرأت دفاع از حقیقت را ندارند، سد راه کسانی می‌شوند که برای حقیقت و آزادی حتا حاضر است جان دهند. استاد با دانش‌آموزان ممتاز برمی‌گردد. دانش‌آموزان ممتاز رأی بر حقانیت استاد می‌دهند. این بار قرار است اتفاقی عظیمی رخ دهد. اتفاق هولناک. استاد سوال را از نو روی تخته می‌نویسد و از شاگرد می‌خواهد حل کند و پیش از آن، از شاگردان ممتاز می‌خواهد اسلحه را به طرف شاگرد نشانه گیرند. حالا او میان مرگ و زندگی قرار گرفته است. باید یکی را انتخاب کند. یا ۵ که به او زندگی می‌بخشد، هرچند ذلت‌بار و یا ۴ که او را به مرگ می‌کشاند، مرگِ باعزت. بقیه‌ی شاگردان صنف مات و مبهوت دارند صحنه را نظاره می‌کنند. او تباشیر را می‌گیرد و نگاهی به اطرافش می‌اندازد و دقیقا کاری می‌کند که وینستون زیر ضربه‌های شلاق انجام داده بود: «آزادی زمانی آزادی است که ۲+۲=۴ شود.» شاگرد به محض این‌که عدد ۴ را می‌نویسد اسلحه‌ها شلیک می‌شود و روی تخته سیاه با خون سرخ رنگین می‌شود. او با جسارت از حقیقت و آزادی دفاع می‌کند و به‌سوی مرگ می‌شتابد. این کشتن نمادین، کشتن روحیه‌ی انتقادی و پرسشگری را در مدرن‌ترین نظام‌های آموزشی دنیا به تصویر می‌کشد. آن‌گونه که کارگردان باور دارد، دیکتاتوری نه‌تنها در نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه بلکه به‌نحوی در تمام جهان حاکم است و از دانش‌آموزان قربانی می‌گیرد. اما در کشورهای مانند افغانستان این وضعیت رقت‌انگیزتر از آنی‌ست که تصور می‌کنیم. تهداب‌های بسیاری از مکاتب و مدارس هنوز با خشونت گذاشته می‌شود. تنبیه فیزیکی و روحی در حد فاحش بر شاگردان اعمال می‌شود. اغلب مسئولان به جِد معتقدند که جز لت‌وکوب راه دیگری برای پرورش نسل جنگ‌زده‌ی افغانستان وجود ندارد. توجیه‌شان این است که این‌ها از خانواده گرفته تا جامعه و همه جا با خشونت و جنگ مواجهند، پس غیرممکن است که جلو این روند را به‌راحتی سد کرد. پرورش مسالمت‌آمیز اصلا برای‌شان موضوعیت ندارد. بنابراین از آوان کودکستان تا دوران عالی این حقیقت تلخ وجود دارد. بگذارید برای تثبیت این ادعا، گوشه‌ای از چشمداشت‌هایم را از یکی از نامدارترین مکاتب شهر کابل برای‌تان روایت کنم. روزی کودکی را دیدم که بعد از این‌که مادرش او را در صنف نرسری ترک کرد، زد زیر گریه و تا می‌توانست چیغ می‌کشید. برعلاوه، طعم سیلی‌های آبدار خانم سرمعلم را نیز می‌چشید. شاگردی صنف پنجم را دیدم که معلم وی را وامی‌داشت تا صد تا بایتک (اسم یک حرکت ورزشی) بدون وقفه برود. او این کار را به ناچار انجام داد. اما به‌دلیل اضافه‌وزنی که داشت عضلات‌اش دچار پاره‌شدگی شد و تا یک هفته کامل در خانه بستری شد. این‌ها ختم ماجرا نبودند. شاگرد دیگری را چنان سیلی حواله‌ی گوشش کرده بود که راهی بیمارستان شد. تشخیص داکتر حاکی از آن بود که گوش وی خونریزی داخلی کرده، اما چانس آورده بود که آسیبی به پرده گوش و شنوایی‌اش وارد نشده بود. بازهم این سریال در این‌جا ختم نمی‌شود، اما فکر می‌کنم همین سه موارد به‌عنوان مشت نمونه خروار کافی باشد.

در نتیجه با توجه به آنچه گفته آمدیم، کم فیلم تهیه و کم کتاب نوشته نشده برای این‌که خشونت و دیکتاتوری مکاتب را به تصویر بکشد و روایت کند تا باشد که اراده‌ی قوی برای توقف این قافله شوم شکل گیرد؛ اما چرا؟ ریشه مشکل در کجاست که هنوز این فجایع بیداد می‌کند و از کودکان و از نسل اندر نسل ما قربانی می‌گیرد؟ آیا واقعا باید منتظر بنشینیم که خشونت در سطح کشور، جامعه و خانواده از بین رود تا نوبت به مکاتب برسد و یا این‌که زنگ آن اول‌تر از همه از مکاتب به صدا درآید؟